



بولتن آینده پژوهانه

Tehran Chamber
of Commerce and
Industries and Mines

آینده نگار
Ayandenegar

پیش شماره اول • اسفندماه ۱۳۸۸

با آثاری از:

یحیی آل اسحاق

سید محمود حسینی

علی پایا

عباس عبدی

جمشید پرویان

عباس شاکری

جمشید انصاری

و پیش بینی هایی

از آینده ایران و جهان



مرکز مطالعات و بررسی های

اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران



پیروزی
در دوران دیشی است.
حضرت علی (ع)

سرمقاله

۴ آینده نزدیک است / یحیی آل اسحاق

یادداشت ها

۵ برنامه، عمل و آینده / سید محمود حسینی

۶ آینده نگری سیاسی ایران / عباس عبدی

۸ آینده پژوهی و اهمیت توجه جدی به شالوده های نظری و فلسفی آن / علی پایا

آینده ایران

۹ دورنمای اقتصاد ایران در افق پنج ساله / عبدالرحیم پدرام

۱۰ آینده نگری قانون تثبیت قیمت ها در گفت و گو با جمشید پژویان

۱۱ آینده نگری هدفمند کردن یارانه ها در گفت و گو با عباس شاکری

۱۳ پیامدهای سیاسی هدفمند کردن یارانه ها در گفت و گو با جمشید انصاری

۱۴ پیش بینی بازار مواد پتروشیمی / عبدالرحیم پدرام

۱۵ ابتکار ایران برای تامین بنزین خود در شرایط تحریم

۱۵ کدام صنایع از افزایش قیمت انرژی آسیب خواهند پذیرفت؟

۱۶ نگاهی آینده پژوهانه به آسیب پذیری های اقتصاد ایران / مسعود منزوی

۱۷ چالش های نیروی کار در ایران

۱۸ پیش بینی ده ساله اقتصاد ایران

آینده جهان

۱۹ پیش بینی افزایش تقاضای انرژی در جهان تا سال ۲۰۳۰

۲۰ همچنان کاهش بهای خانه در دبی

۲۱ پیش بینی های اقتصادی از جهان در سال ۲۰۲۵

۲۲ پیش به سوی ابر انسان

۲۳ از کار آفرینان الکترونیکی تا کلاهبرداری بین المللی

۲۴ چهار سناریو برای آینده جهان / مسعود منزوی

۲۵ آغاز به کار هتل های فضایی در سال ۲۰۱۲

۲۶ سناریوهای آینده های اقتصادی متفاوتی را به تصویر می کشند

۲۸ جهان منحنی شده

۲۹ آینده بانکداری خصوصی

اخبار آخر

مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی
بولتن آینده پژوهانه



پیش شماره
اسفندماه ۱۳۸۸

صاحب امتیاز: مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران
همکاران این شماره: دکتر سید محمود حسینی، قاسم فولادی
عبدالرحیم پدرام، عباس جلالی وند و مسعود منزوی

صفحه آرای: امیر محمد لاجورد
طراحی جلد: مریم دمیرچلی
حروفچینی: آزاده باقری
دیگر همکاران: سارا محمدی و علی عقیبی طلب

نشانی: خیابان مطهری، روبروی خیابان سنایی، شماره ۲۸۵
اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران
تلفن: ۸۸۷۱۴۲۸۸
نمبر: ۸۸۷۱۳۴۱۵
نشانی الکترونیک: researchcenter@tccin.ir

آینده نزدیک است



■ جایی آل اسحاق
رئیس اتاق بازرگانی
و صنایع و معادن
استان تهران

خرسندیم که با یاری خداوند متعال، یکمین شماره از نشریه آینده‌نگر را تقدیم شما خوانندگان محترم می‌کنیم. آینده‌نگر در پی آن است که خوانندگان خود را هر ماه به سفری در اعماق آینده ببرد و می‌کوشد آینده را به تصویر کشیده و در مسیر شکل بخشیدن به آینده با عظمت و الهام‌بخش ایران اسلامی گام بردارد.

جهان بشری در حال گذاری شتابان از عصر صنعتی به عصر اطلاعات و دانایی است و ویژگی بارز عصر اطلاعات و دانایی، افزایش سرعت تغییرات در سطوح و حوزه‌های گوناگون جامعه بشری است. این تغییرات پیامد پیشرفت‌های سرسام‌آور علم و فناوری است که با گذر زمان نیز در حال گسترش هستند. عدم توجه به این سونامی‌های تغییر، غافلگیری و پشیمانی را به دنبال دارد.

انسان‌ها پس از جنگ جهانی دوم و آشکار شدن این واقعیت که رشد علم و فناوری، تغییرات شگرفی به همراه دارد و تغییرات کوچک، پیامدهای بزرگی ایجاد می‌کنند

در پی شناسایی و به‌کارگیری ابزارهایی برآمدند که از غافلگیری و شگفت‌زدگی در برابر طوفان سهمگین تحولات جلوگیری کنند. یکی از این ابزارها، آینده‌پژوهی بود که از دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی به اندیشه‌های و مراکز

سیاست‌گذاری راه یافت. آینده‌پژوهی دانشی است که به انسان می‌آموزد در مصاف با آینده‌ی مبهم در پیش‌رو، چگونه از کم‌ترین زیان برخوردار شده و بیش‌ترین سود را به‌جنگ آورد. آینده‌پژوهی در پی آن است که انسان را در مسیر آینده که سرشار از عدم قطعیت و آشوب است همراهی کرده و او را در برابر هر رویداد غیرمنتظره آماده سازد. آینده‌پژوهی کار خود را با پیش‌بینی آغاز کرد و در ابتدا آینده‌پژوهان می‌کوشیدند با بهره‌گیری از روش‌ها و اصول علمی احتمالات آینده را شناسایی کنند. اما امروزه انتظار آن است که آینده‌پژوهی پارا از این فراتر گذاشته و به معماری هوشمندانه آینده بپردازد. آینده‌پژوهان امروز بر این باور هستند که می‌توان در آینده تغییراتی ایجاد کرد و آینده را آن‌گونه که مطلوب ما است برپا کرد.

البته توجه به آینده و اندیشیدن پیرامون آن، مقوله‌ای تازه نیست و از دیرباز انسان‌ها در پی پیش‌بینی آینده به‌منظور ارضای حس کنجکاو و بسترسازی برای رسیدن به اهداف کوچک و بزرگ بوده است. طالع‌بینی

و غیب‌گویی، شواهدی بر این مدعا هستند که در ادوار گوناگون تاریخ همراه انسان‌ها بوده‌اند. حتا فریسی از جامعه‌شناسان معاصر معتقد است که قابلیت پیش‌بینی آینده به‌طور غریزی در انسان وجود دارد و از هنگام تولد توانایی نگاه به آینده در انسان‌ها شکل می‌گیرد. نوزاد با نخستین گریه می‌آموزد که می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد، زیرا هر گریه بازخورد و مراقبت دیگران را در پی دارد. هر چند این پیش‌بینی تنها چند لحظه فراتر از زمان حال را در برمی‌گیرد، اما با گذر عمر و رشد عقلانی، عمق نگاه به آینده افزایش یافته و این قابلیت بیش از پیش در اختیار اراده‌ی او قرار می‌گیرد. با پیدایش آینده‌پژوهی، انسان‌ها امکان تغییر در آینده را باور کردند و آینده را به‌گونه‌ای نظام‌یافته مطالعه می‌کنند. امروز جامعه‌ای موفق است که بتواند آینده را مطابق میل خود تغییر دهد.

برای مطالعه‌ی نظام‌یافته آینده، پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود:
برای اندیشیدن پیرامون آینده، چه روش‌ها و الگوهای باید به‌کار گرفته شود؟

آینده‌ی مطلوب چگونه باید طراحی شود؟
چه عواملی ما را در شکل‌دهی هر چه بهتر آینده‌ی مطلوب یاری می‌رسانند؟
چگونه باید برای انجام طرح‌ها و برنامه‌های آینده آماده شویم؟
در برهه‌های زمانی گوناگون، انتخاب‌های بدیل ما برای طرح و برنامه‌ها چیست؟ و
پیامدهای آتی گزینش هر یک از این بدیل‌ها چه خواهد بود؟

هدف آینده‌پژوهی از مطالعه و پژوهش پیرامون آینده، پاسخ‌گویی به این شش پرسش اساسی است. در این فرایند، دانش آینده‌پژوهی بر دورنماها و پیش‌انگاشت‌های ویژه‌ای استوار است که با کمک آن‌ها به تفکر نظام‌یافته و صریح پیرامون آینده می‌پردازد. در این‌دانش، نظریه‌ها، روش‌ها و ارزش‌هایی وجود دارد که با شناسایی آینده‌های بدیل و تعیین آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، فرداها را ابهام‌زدایی می‌کند. به بیانی روشن‌تر، آینده‌پژوهی برای مطالعه‌ی آینده و تحقق اهداف کلیدی خود، در پی آن است که انتظارات ما از آینده را شناسایی کرده و کمک کند که تمامی توان و ظرفیت عوامل شکل‌دهنده در راستای تحقق مطلوب‌ترین بدیل آینده جهت‌دهی شوند.

در آینده‌پژوهی همواره صحبت از آینده‌ها است و این اصل که در پیش‌روی هر فرد، سازمان و جامعه‌ای آینده‌های متفاوتی وجود دارد به یکی از پیش‌فرض‌های

ورود به عرصه‌ی آینده‌پژوهی تبدیل شده است. اما باید توجه داشت آینده‌ها زمانی که به حال تبدیل شوند یکی می‌شوند و تمامی جوامع، افراد و حوزه‌ها را دربر می‌گیرد. بنابراین هنگامی می‌توان به موفقیت آینده‌پژوهی امیدوار بود که آینده‌پژوهی در تمامی حوزه‌ها وارد شده و تمامی افراد یک جامعه در مسیر تحقق یک آینده‌ی مطلوب گام بردارند. بنابراین آینده‌پژوهان می‌کوشند تا فعالیت‌های آینده‌پژوهانه در تمامی حوزه‌هایی چون، اقتصاد، فرهنگ، فناوری، دفاع و ... وارد شده و افزون بر خلق آینده‌ای مطلوب برای آن حوزه، آینده‌ی کل بشریت را به سوی آرمان‌شهر جهت‌دهی کنند.

گام نخست ورود آینده‌پژوهی به هر عرصه‌ای ترویج آن و ایجاد فرهنگ آینده‌اندیشی و توجه به آینده در سطوح گوناگون آن است. می‌بایست در ابتدا این باور را ایجاد کرد که آینده ثمره‌ی عملکرد دیرپوز و امروز ماست و می‌توان آینده را به گونه‌ای هوشمندانه برپا ساخت.

نشریه آینده‌نگر با عنایت به این مهم، آغازی بر ترویج آینده‌پژوهی و ورود آن به عرصه‌ی اقتصاد و بازرگانی است. این نشریه که در اتاق بازرگانی و صنایع معادن استان تهران شکل گرفته است تمامی فعالان اقتصادی، صاحب‌نظران، بازرگانان و... بخش اقتصادی کشور را هدف خود گرفته و می‌کوشد تا در برپایی آینده‌ی مطلوب برای اقتصاد کشور تأثیر گذار باشد.

آینده‌نگر، تنها یک رسانه‌ی اطلاع‌رسانی نیست، بلکه می‌تواند پلی برای تعامل هر چه بیش‌تر بازرگانان، فعالان اقتصادی و مدیران دولتی کشور شود. آینده‌نگر باور دارد که با همت جمعی و ایجاد جریان اجتماعی، چشم‌انداز اقتصاد کشور می‌تواند محقق باشد و فردای ایران اسلامی متفاوت با امروز آن باشد. اقتدار اقتصادی، توسعه‌ی پرشتاب و پایدار و افزایش روزافزون فرصت‌های اقتصادی، شعاری است که تمامی دست‌اندرکاران این نشریه آن را وجهه‌ی همت خود قرار داده و به آن باور دارند.

ماهنامه، هنوز نوپا است و قطعاً مخاطبان فضیلت‌مند آن، کاستی‌ها را به دیده‌ی اغماض خواهند نگرست و با ارایه‌ی بازخوردها، نقدها و رهنمودهای خود، شکوفایی این حرکت مقدس را به همراه خواهند داشت.

در پایان برخود لازم می‌دانم از همکاری تمامی عزیزانی که در شکل‌گیری و انتشار نشریه مشارکت داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کنم و به‌طور ویژه از آقایان دکتر سید محمود حسینی، مهندس محمدمهدی راسخ و دکتر جاویدان تشکر و قدردانی کرده و منتظر پیشنهادهای سازنده‌ی صاحب‌نظران برای پربارتر کردن نشریه هستیم.

و من...! التوفیق

برنامه، عمل و آینده

توصیه‌هایی به صاحبان کسب و کار و مدیران شرکت‌ها

ابهام راهنمای عمل نیست! چه باید کرد؟

برنامه ریزی بر دو فرض اساسی تکیه دارد: اول، جهان کسب و کار جهان نسبتاً مطمئن و ساختار یافته است. دوم، امکان پیش بینی روندها و رویدادها تا حد قابل قبولی وجود دارد.

اما شواهد نشان می‌دهد که حداقل در ایران هر دو فرض غلط است و این به دلیل آن نیست که کوشش‌های انجام شده در حوزه پیش‌بینی ضعیف است بلکه ناشی از شرایط ساختاری جامعه است که پیش‌بینی‌ها را غیرممکن ساخته است چرا که آینده بستگی زیادی به انتخاب مقاماتی دارد که از حیطه اختیارات بسیار گسترده‌ای برخوردار هستند و از آن مهم‌تر تابع هیچ برنامه مدون و تعریف شده یا حداقل اصول ثابت و روشنی هم نیستند بنابراین پیچیدگی و عدم اطمینان ذاتی نظام اقتصادی کشور بیشتر شده و طبعاً ابهام بر همه فضای کسب و کار حاکم است. اما عمل نیازمند عدم ابهام است. ابهام راهنمای عمل نیست و لذا مدیران برای تسلط بر ابهام تلاش زیادی از طریق جمع آوری اطلاعات، پردازش و تفسیر آنها صورت می‌دهند اما شرایط به گونه‌ای است که نمی‌توانند به صحت این اطلاعات اطمینان کنند و نسبت به نتایج آن مطمئن باشند. بنابراین صاحبان کسب و کار باید بپذیرند که ابهام، ذات کار آن‌ها است و قادر نیستند با ابزارهای مدیریتی آن را حذف کرده و در چارچوبی منطقی تصمیم‌گیری کنند. آنها باید بپذیرند که قادر نیستند حوزه‌هایی از محیط را مورد توجه قرار بدهند که امکان پیش‌بینی و در نتیجه برنامه‌ریزی وجود داشته باشد پس چه باید کرد؟ اگر آینده ناشناخته باشد چگونه می‌توان مسیر و مقصود را هبرد نهایی را بنا نهاد؟ و اگر آینده مقصودی روشن و قابل پیش‌بینی نداشته باشد چگونه می‌توان بر فعالیت‌های گوناگون سازمانی نظارت کرد.

پاسخ به این گونه سوالات بسیار سخت‌تر از آن است که در یک مقاله بدان جواب داده شود اما یک راه پیشنهادی این است که به نکات زیر توجه خاصی مبذول نمائید.

بپذیریم که امکان ابهام‌زدایی کامل از یک موقعیت تصمیم وجود ندارد.

تحت شرایط ابهام باید تصمیم را تا زمانی که فرصت داریم به تاخیر بیندازیم تا از ابهامات کاسته

شود.

انعطاف پذیری توسعه شرکت باید تا آنجا که امکان دارد درخصوص اقدامات راهبردی بالا رود. چگونه خوب کار کردن در شرایط فعلی و در آینده نزدیک با اطلاعات قابل اعتمادی که در دست داریم اصالت دارد، نباید مبنای کارمان را اهداف و تصمیمات اتخاذ شده در گذشته قرار بدهیم. باید اهدافمان را در دوره‌های کوتاه‌مدت با توجه به اطلاعات جدید از نو تعریف کنیم. به عبارت دیگر مطلوب بودن اهداف تعیین شده را دائماً مورد سنجش قرار بدهیم.

بهینه کردن اقدامات در کوتاه‌مدت و داشتن رضایت بلندمدت را باید مد نظر قرار داد و بالاخره توسعه توانمندی‌های گفت‌وگو با صاحبان قدرت و نفوذ و تکیه بر اطلاعات ناقص از الزامات این محیط است. محیطی که تغییرات گسسته و ناگهانی، ذات آن هست.

آزمون و خطا کنید! برنامه داشتن علمی نیست!

صاحبان کسب و کار و مدیران شرکت‌ها و یا سازمان‌ها طرفدار این منطق هستند که کار خود را با این سؤال‌ها شروع کنند که در حال حاضر کجا هستیم؟ و به کجا می‌خواهیم برویم؟ و سپس راهبردهای خود را برای رفتن به سوی آن آینده طراحی می‌کنند، در این رویکرد اهداف از قبل تعریف شده و تصمیمات اصلی قبل از اجرا مشخص شده اند.

آن‌ها بر این باورند که در اتخاذ تصمیمات مهم باید از فرایند زیر پیروی کرد.

تجزیه و تحلیل محیط رقابت و منابع سازمان یا شرکت

تدوین اهداف روشن، عملی و منطقی

تجزیه و تحلیل راه‌های دستیابی به اهداف و انتخاب بهترین راه یا راهبردها

اجرای تصمیمات

اما چه کسی یا کسانی می‌توانند در شرایط فعلی ایران و اقتصاد جهان ادعا کنند که

آینده را می‌توان پیش‌بینی کرد حداقل تا آنجا که بتوان یک تصمیم مطمئن برای بلند مدت گرفت.

می‌توان اهداف را به صورت روشن و مشخص تعریف کرد؟

می‌توان مطمئن بود که راه انتخاب شده ما را به

اهداف می‌رساند.

اگر ما از منافع کوتاه مدت چشم‌پوشی کنیم به منافع بلند مدت دست پیدا خواهیم کرد؟

مناسبات سیاسی و اقدامات غافلگیرانه دولت و دست‌اندرکاران قدرت را می‌توان پیش‌بینی کرد.

پس چه باید کرد؟ چگونه عمل کنیم؟ اگر نتوان برنامه داشت، اگر نتوان اقدامات دولتمردان را پیش‌بینی کرد؟ اگر درگیر روابط پرتنش خارجی باشیم اگر ورود بی‌حساب و کتاب کالاهای رقیب را با قیمت‌های بسیار پایین در بازار داشته باشیم آیا

راهی جز آزمون و خطا داریم؟ آیا راهی به جز تجربه و حرکت گام به گام و تدریجی داریم؟ آیا به غیر از

این است که انتخاب بهترین گزینه معنادار نیست؟ بنابراین انتخاب رویکرد آزمون و خطا تنها گزینه ما

است، اما انتخاب این رویکرد به معنای روزمرگی نیست، به معنای انفعالی کار کردن نیست؟ به معنای عدم کوشش و تلاش برای شناخت اوضاع کسب و کار نیست بلکه به معنای درست آن باید توجه کرد

و آن معنا در کار دانشمندان یافت می‌شود، آن‌ها پس از همه تلاش‌های علمی هنگامی که به نتیجه

نمی‌رسند دست به آزمایش زده و از طریق آزمون و خطا کار را پیش می‌برند. بنابراین مدیران هم باید

توجه کنند که راهی جز این ندارند؟ و راهی جز این برایشان نگذاشته‌اند؟ در این رویکرد برنامه‌ریزی

کوتاه‌مدت و واکنش سریع در مقابل رخدادها و رویدادها اصالت داشته و باید بر ششم مدیریت و کارآفرینی تاکید کرد. بقای شرکت‌ها در این است

که انعطاف پذیر بوده و بتوانند با تغییرات ناگهانی و دائمی روبرو شوند.

کارایی عملیات خود را بالا برده و بدانند که اقتصادی عمل کردن بهترین راهبرد است و تا

آنجا که امکان دارد با سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متعدد در حوزه یا محصولاتی که دارای قابلیت‌های

ممتاز بوده و یا توان ایجاد این قابلیت‌ها را دارند اقدام به آزمون آن‌ها در عمل و در بازار کرده و

بر مبنای تجربه حاصل از این آزمون‌ها راهبردهای خود را به تدریج شکل بدهند. اگر چه قطعاً این

رویکرد توأم با افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزه‌های مدیران برای اجرای طرح‌های بلندمدت توأم خواهد بود اما چه باید کرد؟ وقتی

که نتوان برنامه‌ریزی کرد؟ و یا با اقدامات نسنجیده امکان پیش‌بینی را از صاحبان کسب و کار سلب

کنند برای فرار از روزمرگی جز آزمون و خطا راهی

نیست!

شکی نیست که بحران‌های اقتصادی، سیاسی و تحولات فناورانه و جهانی شدن بازارها وضعیت بسیار سخت و پیچیده‌ای را برای صاحبان کسب و کار ایجاد کرده است. هیچ چیز مصنوع از تغییر نیست و تغییر هم الزامات خاص خود را دارد و نگرانی‌ها را ایجاد می‌کند، روشن است که داشتن تصویری واقع‌نگرانه از موقعیت جاری و شناسایی آثار انتخاب‌های راهبردی در شکل دادن به دنیای آینده کسب و کار از جمله مهمترین وظایف مدیران، مشاوران و سرمایه‌گذاران است تا بتوانند پاسخ صحیح و به موقعی به تغییرات سریع و ناشناخته بدهند و یا اینکه آهسته آهسته حرکت کرده تا تقدیر چه باشد و سرنوشت آنها چگونه رقم زده شود اما آنچه مسلم است معجزه‌ای رخ نخواهد داد و باید با اتکا به خداوند، خود تدبیر کرده و تا آنجا که امکان دارد پاسخ‌های مناسب‌تری به شرایط جدید بدهیم.

توصیه‌های مختلفی برای مدیران در چنین وضعیتی شده است و هر محقق و مشاور از زاویه‌ای به موضوع نگاه کرده و رهنمودهایی ارائه کرده است اما به لحاظ تاریخی دو رویکرد کلی یا دو پارادایم راهنمای مدیران بوده است که توجه و تاکید بر هر دوی آنها از الزامات کار مدیران در شرایط جدید است پارادایم نخست به لحاظ تاریخی پارادایم بهره‌وری بوده است این پارادایم بیان می‌کند که سودآوری در حد بالا هنگامی حاصل می‌شود که کارایی بخش‌های مختلف بالا رفته و مدیران بهره‌وری نیروی کار را حداکثر کنند و به الزامات آن توجه نمایند. گروه دوم نظر دیگری دارند آنها معتقد هستند که کاهش رشد و سودآوری شرکت‌ها به دلیل تغییرات سریع محیط کسب و کار و ناتوانی مدیران در پاسخ به تحولات گسسته و ناشناخته است بنابراین پاسخ اثربخش به دگرگونی‌ها و روندهای محیط عامل اصلی موفقیت شرکت‌ها خواهد بود.

مطالعات نشان می‌دهد که شرکت‌های مدرن و موفق بر هر دو موضوع تاکید خاص دارند آن‌ها اقدامات سودآور کوتاه مدت را به موازات توسعه راهبردی بلندمدت دنبال می‌کنند و میدانند که توسعه راهبردی و سودآوری کوتاه‌مدت به یک اندازه برای موفقیت بلندمدت شرکت حایز اهمیت هستند.

تخصیص منابع باید بر مبنای شدت رقابت در بازار برای سودآوری کوتاه‌مدت و نوسانات و تلاطم محیطی برای توسعه راهبردی صورت گرفته و توازن مناسبی میان آنها برقرار باشد.

و بالاخره دوباره این نکته را باید تذکر داد که این دو پارادایم یا رویکرد باید به موازات هم به پیش بروند نه اینکه به صورت متوالی اینکار انجام شود. بدیهی است شناسایی و انتخاب بازارهای جذاب، فناوری‌ها و محصولات جدید و ارتباط مناسب برقرار کردن با دولت و گروه‌ها و سازمان‌های با نفوذ برای ایجاد فضای مطلوب جهت توسعه قابلیت‌های بلندمدت از الزامات اولیه پارادایم توسعه راهبردی جهت سودآوری بلندمدت است.

مذاکره یا سازش؟

آینده نگری سیاسی ایران

موجود و دانش و اطلاعات در دسترس چه آینده ای در امتداد وضعیت فعلی رخ خواهد داد و آیا می توان با استفاده از منطق حاکم بر روندهای گذشته و جاری آینده را تا حدودی برای تصمیم گیری های مهم کشف کرد و یا به دلیل ناشناخته بودن اوضاع سیاسی و بحران های داخلی و خارجی و سرعت تغییرات محیط امکان شناخت معتبر آینده وجود ندارد و صاحبان کسب و کار چاره ای ندارند جز اینکه با اتکا به رویکرد گام به گام و اهداف کوتاه مدت به استقبال رویدادهای ناشناخته رفته و از برنامه های بلندمدت اجتناب نمایند. بدیهیست حالت اخیر مدنظر این نوشته نبوده و فرض بر این است که می توان با شناخت و تبیین وضع موجود و روندها و رویدادهای احتمالی آینده سناریوهای محتمل و واقع بینانه ای را شناسایی کرد به همین دلیل سناریوهای محتمل را از دیدگاه دولت و منتقدین مورد بررسی قرار داده و نشان می دهیم که محتملترین حالت ها برای سال آینده چه حالت هایی خواهد بود.

قبل از هر چیز باید اذعان کرد که پیش‌بینی آینده سیاسی به طور عام و آینده سیاسی در ایران به طور خاص بسیار سخت است، زیرا بر خلاف اقتصاد یا برخی زمینه‌های اجتماعی مثل جمعیت که متغیرهای آن از دقت و وضوح قابل توجهی برخوردارند و کنشگران آن نیز از قاعده‌ی روشن هزینه و فایده تبعیت می‌کنند و نیز رفتارها تکرارپذیرند، در نتیجه آینده‌نگری در این زمینه‌ها با دقت قابل توجهی امکان‌پذیر است. اما در سیاست هیچ‌کدام از این تقاطق‌قوت وجود ندارد. از یک سو متغیرهای آن شفاف و قابل سنجش دقیق نیست، از سوی دیگر معیارهای رفتاری کنشگران آن لزوماً از قاعده‌ی هزینه و فایده تبعیت نمی‌کند و ترجیحات ایدئولوژیک هم به میان می‌آید و بالاخره اتفاقات سیاسی بیش از آن‌که از الگوهای گذشته و تکرارپذیر تبعیت کند، هر کدام یک مورد خاص است؛ که این نکات مجموعاً موجب کم‌دقتی در آینده‌نگری سیاسی می‌شود. اما کم‌دقتی و

آینده‌نگری سطوح مختلفی دارد، برای یک تولیدکننده‌ی فرش دست‌باف، آینده‌ی تقاضا برای فرش در داخل و خارج، آینده‌ی نیروی کار تولیدکننده‌ی فرش، آینده‌ی تولید و عرضه‌ی مواد اولیه،



■ عباس عبادی

آینده‌ی مقررات صادرات از کشور و واردات در کشورهای مقصد و نیز آینده‌ی کالاهای جایگزین مثل موکت، فرش ماشینی و ... تماماً برای برنامه‌ریزی او اهمیت دارد. این پایین‌ترین سطح آینده‌نگری برای چنین تولیدکننده‌است، در سطح بالاتر قیمت ارز، تورم و ... نیز مهم است و در سطح کلان‌تر شاخص‌های اقتصاد کلان و نیز وضعیت روابط خارجی و سیاست داخلی اهمیت پیدا می‌کند. تا هنگامی که سطوح بالاتر آینده‌نگری از ثبات نسبی برخوردارند، فعال اقتصادی باید سطوح پایین‌تر را موضوع آینده‌نگری خود قرار دهد. اما هنگامی که سطوح بالاتر دست‌خوش تحولات و تغییرات هستند، بسنده کردن به آینده‌نگری سطوح پایین‌تر برای برنامه‌ریزی کفایت نمی‌کند. در شرایط کنونی ایران نیز، ذهنیت عموم فعالان اقتصادی متوجه احتمالات مختلف سیاسی است، به‌ویژه اتفاقات رخ داده در سال جاری، بحرانی را رقم زده که همه‌ی متغیرهای دیگر را تحت تأثیر خود قرار داده است. از این رو در شرایط کنونی پرداختن به سناریوها و احتمالات مختلف آینده‌ی سیاسی ایران برای هر گونه آینده‌نگری اهمیت فراوان دارد.

روشن است که برای آینده‌سیاسی ایران می‌توان با توجه به روندها و رویدادهای مختلف سناریوهای متعددی طراحی کرد که هر کدام از آنها جهت تحلیل حوزه‌ای از محیط سیاسی آینده کسب و کار مفید باشند. اما برای صاحبان کسب و کار و مدیران شرکت‌ها توصیف سناریوهایی که احتمال رخ دادن آنها بالاست حائز اهمیت می‌باشد، این گروه خواهان آن هستند که بدانند بر اساس شواهد

عدم تعین کافی در این زمینه موجب نمی‌شود که آینده‌نگری آن تعطیل شود، زیرا تأثیرگذاری متغیرهای سیاسی در جوامعی چون ایران تا بدان حد اهمیت دارد که داشتن ذهنیتی ولو تقریبی از سناریوهای محتمل از آینده‌ی سیاسی کشور، برای فعالان عرصه‌ی اقتصاداولویت خواهد داشت. ضمن این‌که کنشگران اقتصادی نیز می‌توانند بر حسب اولویت‌های خود به نحوی رفتار کنند که وقوع یکی از سناریوهای مطلوب را در آینده تقویت نمایند و احتمال وقوع سناریوهای نامطلوب را کم کنند.

آینده‌نگری سیاسی ایران را در دو بعد خارجی و داخلی باید تفکیک کرد، گرچه این دو بعد کمابیش بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

روابط خارجی

وضعیت کنونی ایران در روابط خارجی ناپایدار است و در میان مدت نمی‌تواند به همین شکل ادامه یابد، زیرا ایران تحت تحریم شورای امنیت قرار دارد و چند قطعنامه علیه آن صادر شده و تحریم‌های ایالات متحده نیز مزید بر مشکل شده است. ناپایداری این وضع از آن‌جا ناشی می‌شود که؛ تا هنگامی که زمینه‌های ایجادکننده‌ی این تحریم‌ها به قوت خویش باقی بماند، طبعاً شورای امنیت گرایش به تشدید این تحریم‌ها خواهد داشت و آن‌ها را تا حدی گسترش می‌دهد که تحمل فشار آن برای ایران سخت باشد و با اتفاقی که برای لیبی رخ داد، مواجه شود. طبیعی است که مسائل منطقه‌ای چون عراق و افغانستان یا لبنان و فلسطین و یا قیمت نفت می‌تواند موجب تشدید یا تضعیف این جریان تحریم شود، اما نمی‌تواند روند آن را بکلی متوقف کند و از این مهم‌تر این روند را تغییر جهت عکس دهد. از سوی دیگر این احتمال هم وجود دارد که ایران در برابر افزایش فشارهای تحریمی، سکوت نکند و واکنش نشان دهد که این مسأله به نوبه‌ی خود عامل دیگری در تأیید ناپایداری وضع وجود است. از همه مهم‌تر این که تغییر روز به روز در موازنه‌ی نظامی، موجب ناپایداری موازنه‌ی سیاسی را فراهم می‌کند و آینده‌ی روابط سیاسی خارجی را در کوتاه مدت دچار ناپایداری ریشه‌داری می‌نماید.

موضوعات اصلی که زمینه‌ساز این بحران هستند، جدا از رقابت سیاسی منطقه‌ای، به چند مورد اصلی هسته‌ای، فلسطین، کشورهای همسایه و حقوق بشر محدود می‌شوند، که در این میان از نظر غربی‌ها فعالیت‌های هسته‌ای نقطه‌ی محوری این چالش است. زیرا از یک سو آنان توانسته‌اند اجماعی جدی در این زمینه علیه این فعالیت‌ها ایجاد کنند و صدور چند قطعنامه با اتفاق آرا علیه ایران مصداق این اجماع است، و در مرحله‌ی بعد کشمکش جدی تاریخی اسرائیل و فلسطین قرار دارد که به نحوی به موضوع هسته‌ای نیز ارتباط پیدا می‌کند، در مراحل بعدی موضوعاتی از قبیل عراق و افغانستان و رعایت حقوق بشر در داخل کشور قرار دارد.

در این میان مسأله‌ی هسته‌ای از یک جهت برای ایران وضعیت حیثیتی هم پیدا کرده است و

عقب‌نشینی از آن آثار و عوارض سوئی بر سیاست رسمی داخلی خواهد گذاشت. هر چند دولت در صدد پیدا کردن راهپایی برای حل این چالش از موضوع دفاع از منافع ملی نیز می‌باشد از جمله تلاش‌هایی که از حدود شش ماه پیش و با قول و قرارهای ژنو آغاز گردیده و تا کنون نیز ادامه دارد اما با این وجود حتی اگر توافقی در مورد مبادله سوخت میان ایران و کشورهای غربی صورت بگیرد بعید به نظر می‌رسد که تحریم‌ها به این زودی و حداقل در سال آینده برطرف گردند و فرآیند عادی سازی روابط ایران با غرب فرایندی روبه رشدی شود بلکه بالعکس احتمال به توافق رسیدن طرفین در موضوع هسته‌ای در کوتاه مدت چندان زیاد نیست. ضمن اینکه ایجاد تفاهم در میان نیروهای مؤثر بر فرایند تصمیم‌گیری در داخل هم کار آسانی نبوده و زمان بر است، و علاوه قابلیت انجام گفتگوهای سازنده میان جریان‌های مختلف هم در شرایط پر تنش فعلی بسیار پائین است. بنابراین عادی سازی روابط با غرب نسبت به گذشته مشکل‌تر گردیده و حداقل تصور روابط دوستانه و تعامل موفقیت آمیز تصویری دور از واقعیت‌های جاری خواهد بود.

از سوی دیگر مشکل بحران سیاسی داخلی و برداشت‌های غربی‌ها از مسأله‌ی حقوق بشر در ایران نیز به تشدید بحران در روابط میان طرفین افزوده است. در مجموع می‌توان گفت که وضعیت روابط خارجی ایران در کوتاه مدت یا پیچیده‌تر و بحرانی‌تر می‌شود، یا در بهترین سناریو، مطابق وضع موجود ادامه خواهد یافت. اما در میان مدت، این وضعیت نیز قابل دوام نخواهد بود و بستگی نزدیکی به تحولات داخلی و نیز تحولات منطقه‌ای خواهد داشت که شرایط به سوی عادی‌سازی پیش برود یا به سوی تشدید و کشمکش.

سیاست داخلی

اتفاقات انتخابات و ۲۲ خردادماه سال ۸۸، منجر به شکاف‌های عمیق سیاسی گردیده است که آثار آن در کوتاه مدت و بلند مدت بسیار جدی خواهد بود. این اتفاقات به طور معمول موجب انتقال طیف‌های سیاسی به تناسب موقعیت آنان از داخل به بیرون شده است. موازنه‌ی قوای سیاسی هم‌چنان به نفع حکومت است، جریان منتقد فاقد رهبری صاحب نفوذ کلام است، در نتیجه ادامه‌ی بحران در خیابان‌ها منجر به رادیکال‌تر شدن انتقادات و مطالبات می‌شود. چنین اتفاقی از یک سو میان منتقدان شکاف ایجاد نموده و آن‌ها را تضعیف می‌کند، و از سوی دیگر دست دولت را برای برخورد و مواجهه بازتر می‌کند. این اتفاق ممکن است در کوتاه مدت به نفع ساختار سیاسی باشد، اما قطعاً بحران را حل نخواهد کرد و صرفاً بروز آن را به تأخیر خواهد انداخت. به ویژه آن‌که در چنین وضعی، شکاف‌های داخلی ساختار قدرت نیز تشدید خواهد شد و بنیان سیاسی را نیز ناپایدار می‌کند و کافی است که کلیت ساختار سیاسی با شوکی پیش‌بینی نشده مواجه شود، چنین شوکی می‌تواند ناشی از اجرای طرح اصلاح

اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی یا ناشی از مشکلات در روابط خارجی یا تغییرات مهم در منابع ارزی و درآمدهای نفتی دولت باشد. در شرایط کنونی چشم‌انداز روشنی از مصالحه و سازش میان رهبران منتقد و حکومت به چشم نمی‌آید و این ابهام، نقطه‌ضعفی در وضعیت سیاسی ایران است. بنابراین محتمل‌ترین حالت در ساختار سیاسی ایران، ادامه‌ی وضع موجود و راضی نشدن منتقدین است و بحران سیاسی موجود ادامه خواهد

وضعیت روابط خارجی ایران در کوتاه مدت یا پیچیده‌تر و بحرانی‌تر می‌شود، یا در بهترین سناریو، مطابق وضع موجود ادامه خواهد یافت. اما در میان مدت، این وضعیت نیز قابل دوام نخواهد بود و بستگی نزدیکی به تحولات داخلی و نیز تحولات منطقه‌ای خواهد داشت که شرایط به سوی عادی‌سازی پیش برود یا به سوی تشدید و کشمکش.

کشور و سپس تعدیل در مناسبات خارجی مطابق منافع کشور است؛ که اگر چه چشم‌انداز روشنی برای تحقق این سناریو مشاهده نمی‌شود اما غیر محتمل نیز نخواهد بود. در پایان یادآوری این نکته مهم، ضروری است که مدیران و صاحبان کسب و کار در انتخاب تصمیمات استراتژیک به همه سناریوها توجه کرده و تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در صورت وقوع هر کدام از سناریو‌ها کمترین خسارت را نصیب آنها کند، به عبارت دیگر ارزشمند بودن یا خوب بودن تصمیمات را باید در پرتو همه سناریوهای محتمل مورد سنجش قرار دارد.

غفلت از آینده؟

آینده پژوهی و اهمیت توجه جدی به شالوده های نظری و فلسفی آن



■ علی پایا
استاد دانشگاه

آینده پژوهی، اصطلاحی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی از میان معادل های دیگری نظیر آینده نگری، آینده اندیشی، آینده شناسی، و... به عنوان برابر فارسی برای واژه انگلیسی Futures Studies برگزیده است، نام یک دانش-فناوری است که هر چند از دهه ۱۹۴۰ به اینسو به تدریج به صورت یک فعالیت نظام مند در سطح بین المللی گسترش پیدا کرده اما هنوز چنان که باید و شاید در قلمرو های دانشگاهی استقرار پیدا نکرده است. البته در برخی از دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی در شماری از کشور ها، این رشته به عنوان یک دوره فوق لیسانس یا دکتری ارائه می شود، ولی بیشترین میزان بهره گیری از ظرفیت های این دانش-فناوری به وسیله شرکت ها و موسساتی صورت می گیرد که دستی از نزدیک بر عمل دارند.

به عنوان مثال بنیاد رند RAND در آمریکا، که به یک اعتبار بنیانگذار این دانش-فناوری (در شکل نخستین آن) به شمار می آید، در زمره آن دسته از کانون های تفکر و تولید اندیشه است که به وزارت خانه های دفاع، انرژی، امور خارجه و... در آمریکا و نیز موسسات تجاری بزرگ در این کشور و احیاناً دیگر نقاط جهان، مشاوره های آینده پژوهانه ارائه می دهد. شرکت بزرگ شل که در زمره بزرگترین غول های نفتی است، بخش مستقلی برای پژوهش های آینده پژوهانه و نیز آموزش روشها و تکنیک های آن به کارمندان خویش دارد. این هر دو الگو در بسیاری دیگر از کشور ها و در سطح شرکت های بزرگ و کانون های تفکر عینا دنبال می شود.

در تراز موسسات تحقیقاتی و دانشگاهی نیز مراکز نظیر موسسه سانتافه در آمریکا، جیمز مارتین در انگلستان، و ماکس پلانک در آلمان نیز فعالیت های پژوهشی و آموزشی در حوزه آینده پژوهی به صورت همزمان دنبال می شود. برخی دانشگاهها و موسسات آموزشی نیز مانند دانشگاه هوستن در آمریکا و یا دانشگاه استرانکلاید در انگلستان دوره های آموزشی این حوزه را تدریس می کنند. شمار بسیار زیادی از موسسه های خصوصی نیز در سطح بین المللی خدمات آینده پژوهی را در قالب انجام پروژه برای

سفارش های متقاضیان و یا دوره های آموزش روش ها و متد های آینده پژوهی ارائه می دهند. آینده پژوهی در ایران در دوران پس از انقلاب با علاقه و جدیت بیشتری در قیاس با اقدامات محدودی که در سال های پیش از انقلاب صورت گرفت، دنبال شده است. از نهاد های پیشتاز در این قلمرو می توان به سازمان برنامه و بودجه و نیز وزارت دفاع اشاره کرد که در دهه ۱۳۶۰ نخستین گام ها را در این زمینه با ترجمه برخی منابع و برگزاری شماری از کارگاه های آموزشی برداشتند. در دهه ۱۳۸۰ مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با همکاری مجموعه ای از نهاد های دولتی نخستین فعالیت در خصوص بومی سازی یکی از روش های اساسی در آینده پژوهی موسوم به آینده نگاری foresight را به مرحله اجرا در آوردند. این حرکت با انجام پروژه ای موسوم به "پروژه آینده نگاری مناسب ترین فناوری ها برای ایران ۱۴۰۴" (پامفا) آغاز شد. فاز دوم پروژه در تابستان سال جاری به پایان رسید و پنج کتاب به عنوان محصول پژوهی آن انتشار یافت. اجرای این پروژه از آن حیث واجد اهمیت بود که فناوری آینده نگاری در تقریباً همه کشور ها مورد استفاده واقع شده است و ایران شاید تنها کشوری بود که در این

آینده پژوهی در ایران در دوران پس از انقلاب با علاقه و جدیت بیشتری در قیاس با اقدامات محدودی که در سال های پیش از انقلاب صورت گرفت، دنبال شده است. از نهاد های پیشتاز در این قلمرو می توان به سازمان برنامه و بودجه و نیز وزارت دفاع اشاره کرد که در دهه ۱۳۶۰ نخستین گام ها را در این زمینه با ترجمه برخی منابع و برگزاری شماری از کارگاه های آموزشی برداشتند.

زمینه، در سطح ملی، گامی برنداشته بود. اما اجرای آزمایشی پروژه آینده نگاری، به همراه فعالیت های متعدد دیگری که در بسیاری از نهاد ها و موسسات دولتی و خصوصی که به آینده پژوهی روی آورده اند به انجام می رسد، و نیز تاسیس دوره دکتری رشته آینده پژوهی در کشور و ایجاد پژوهشکده آینده نگری، در عین آن که اخباری نوید بخش و امیدآفرین به شمار می آیند، زنگ خطری را نیز به صدا در آورده است که طنین آن را در حال حاضر ناظران بصیرتر به روشنی و وضوح می شنوند. این زنگ خطر به مساله واردات فناوری ها و ظرائف و دقت های مربوط به بومی سازی آنها ارتباط دارد. تجربه های تلخ کشور های در حال توسعه در دهه های متمادی طی قرن بیستم بخوبی نشان می دهد که اگر در اخذ و اقتباس فناوری ها، دقت های لازم صورت نگیرد، ورود آنها نه تنها کمکی به رشد و توسعه موزون و پایدار کشور نمی کند که می تواند تبعات و نتایج ناخواسته و نامطلوب فراوانی را به همراه بیاورد.

آینده پژوهی چنان که اشاره شد یک دانش-فناوری است. بخشی از آن با آموزه های معرفتی همراه است و بخشی نیز با روش ها و تکنیک های فناورانه و مهندسی. اما کاربرد صحیح روش ها و تکنیک ها با تکیه به چارچوب های متدولوژیک صورت می گیرد. چارچوب های متدولوژیک نیز به نوبه خود با دیدگاه ها و چشم انداز های فلسفی و نظری ارتباطی تنگاتنگ و وثیق دارند. تجربه شکست خورده کشور های در حال توسعه در اخذ تکنولوژی ها، عمدتاً ناشی از این تلقی نادرست بوده است که می توان به صرف وارد کردن محصول تکنولوژیک و یا روش های کاربرد آن، بر فناوری تسلط پیدا کرد. اما کاربرد بهینه فناوری و توفیق در بسط و بهبود آن تنها در صورتی امکان پذیر خواهد بود که به جنبه های نظری و فلسفی زیرساز آن نیز توجه دقیق و نقادانه مبذول شود.

اتخاذ رویکردی عقلانی و نقاد در قبال فناوری های نو، از جمله آینده پژوهی، ضرورتی است که غفلت از آن می تواند نتایجی ناگوار به همراه بیاورد. در این خصوص می باید در موقعیت های دیگر با تفصیل بیشتری سخن گفت.

اقتصاد بر دوش نفت

دورنمای اقتصاد ایران در افق پنج ساله

■ عبدالرحیم پدرام

سهم نفت در مجموع صادرات ایران در سال گذشته در حدود ۸۵ درصد کل صادرات بود و این رقم در پنج سال آینده کاهش یافته و به ۷۱ درصد خواهد رسید.

خواهد ماند. سهم نفت در مجموع صادرات ایران در سال گذشته در حدود ۸۵ درصد کل صادرات بود و این رقم در پنج سال آینده کاهش یافته و به ۷۱ درصد خواهد رسید و بخش اعظم درآمدهای دولت را تشکیل خواهد داد. از این گذشته، براساس

شرایط اسمی، بخش نفت در سال گذشته، ۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را پدید آورد و با توجه به افزایش بهای نفت انتظار می‌رود این رقم در پایان امسال به ۲۹/۲ درصد برسد. با حرکت رو به جلو شاهد کاهش تدریجی اهمیت نسبی این بخش

خواهیم بود؛ براساس ارزیابی مجدد فرض‌های جهانی و بازنگری پیش‌بینی‌های کاهش قیمت نفت که در سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید، انتظار می‌رود که در سال ۲۰۰۹ نرخ متوسط سبب اوپک ۷۱/۵۰ دلار باشد و در سال ۲۰۱۰ این رقم به ۸۱/۵۰ دلار برسد. بخش نفت ایران در سال ۱۳۹۲، ۱۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی اسمی را در اختیار خواهد داشت.

تحریم‌های بین‌المللی و رکود اقتصاد جهانی، افزون بر قیمت‌های پایین‌تر نفت و افزایش سطوح تورم موجب کاهش رشد اقتصادی ایران در پنج سال آینده شده و این رقم از ۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش خواهد یافت.

در جهان، روزانه بیش از ۲/۵ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند و با توجه به قیمت‌های جهانی، درآمد این کشور در دوره‌ی زمانی پیش‌بینی‌شده به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار نخواهد رسید، و شاهد فشار بر روی نرخ رشد خود خواهد بود. افزون بر این، تورم بسیار شدید (در سال گذشته به ۲۹/۴ درصد رسید) سبب کاهش رشد اقتصادی این کشور خواهد شد. اگرچه انتظار می‌رود که در پنج سال آینده شاهد کاهش تورم باشیم اما نرخ آن دو رقمی باقی خواهند ماند و اثر منفی بر رشد خواهد داشت.

این نکته قابل توجه است که با حرکت به سمت تولید ناخالص داخلی واقعی براساس خروجی و محصول تولید شده، در دوره‌ی پیش‌بینی شده بخش غیرنفتی از بخش نفت پیشی خواهد گرفت چرا که بخش غیرنفتی در پنج سال آینده دارای متوسط رشد ۴/۶ درصد خواهد بود در حالی که رشد بخش نفت تنها ۵ درصد خواهد بود. با وجود این واقعیت که ایران دارای دومین ذخایر نفتی اثبات شده‌ی جهان است، اما انتظار نمی‌رود که ایران توان بالقوه‌ی اکتشاف و بهره‌برداری خود را محقق سازد. افزایش متوسط در تولید نفت از ۴/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۸۷ به ۴/۵۳ میلیون بشکه در

روز در سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی می‌شود. بخش غیرنفتی سهم اعظم تولید ناخالص داخلی واقعی را در سال‌های آتی در اختیار خواهد گرفت به طوری که در سال ۱۳۹۲ این رقم به ۹۲ درصد خواهد رسید. با این وجود، بخش نفت همچنان یک عنصر کلیدی اقتصاد ایران باقی

پیش‌بینی‌ها از رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران، نشان از کاهش تدریجی آن در سال‌های آینده از ۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ است. با توجه به افزایش هزینه‌های تولید ناخالص داخلی واقعی، انتظار می‌رود مصرف خصوصی در سال ۱۳۸۷، پنج درصد رشد کند اما در مقایسه با رقم رسمی ۹/۱ درصد در ۱۳۸۶ کمتر است. پس از آن که رشد سالانه به ۵ درصد برسد، شاهد کاهش بیشتر آن و رسیدن به سطح چهار درصد در پنج سال آینده خواهیم بود. همچنین ایران شاهد کاهش تدریجی رشد شکل‌گیری سرمایه‌ی ثابت ناخالص خود از رقم رسمی ۶ درصد در سال ۱۳۸۶ به ۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۲ خواهد بود.

اقتصاد ایران، افزون بر تحریم‌های اقتصادی در مقابل اقتصاد جهانی فاقد عایق و حفاظت است. در نتیجه با کاهش سرعت رشد اقتصاد جهانی در سال‌های آتی، سرعت رشد اقتصاد ایران نیز کاهش خواهد یافت. اگر خواهیم به شیوه‌ای خاص و با جزییات بیشتر در مورد آن صحبت کنیم باید بگوییم که ایران به عنوان چهارمین کشور صادرکننده‌ی نفت





سود این قانون به جیب فقرا می‌رود

آینده‌نگری قانون تثبیت قیمت‌ها در گفت‌وگو با جمشید پژویان

■ هومان دوراندیش

قانون تثبیت قیمت‌ها، دقیقاً برای تحقق چه اهدافی تصویب شده است؟

در واقع اینجا بحث تثبیت قیمت مطرح نیست بلکه مساله اصلاح قیمت‌های نسبی است. طی سال‌های گذشته، ارائه کالا و خدمات توسط دولت، متأسفانه توأم با قیمت‌گذاری‌های منطبق بر نظریه‌های اقتصادی کارای

اقتصادی نبوده است؛ به‌ویژه بعد از آنکه براساس یک طرح در مجلس، قیمت کالا و خدمات ارائه شده توسط دولت تثبیت شد، ما شاهد فاصله گرفتن قیمت مثلاً حامل‌های انرژی از قیمت واقعی این حامل‌ها بودیم. یعنی تورم قیمت کالاهای دیگر را افزایش می‌داد ولی قیمت این نوع کالاها و خدمات ثابت باقی می‌ماند. از دیدگاه نظریه‌های اقتصادی، این امر یکی از تخریبی‌ترین مواردی است که اقتصاد را دچار اختلال و الگوهای مصرف و تولید را برای مصرف‌کننده و تولیدکننده، دچار اشکال می‌کند.

اجرای این قانون چه تاثیری روی تورم خواهد گذاشت؟

متأسفانه ما عادت نداریم که در زمینه مسائل اقتصادی جامعه، به نظریات اقتصاددانانی که واجد شرایطاند و مطالعات به روز دارند، توجه کنیم. به همین دلیل هر کسی اظهارنظری می‌کند. من نمی‌گویم تورم وجود نخواهد داشت ولی به نظر من، مساله تورم یک موضوع کاملاً متفاوت است و ابزارهای کنترل آن چیزهای دیگری هستند و دولت می‌تواند آن را کنترل کند. پس اینکه ما در آینده چقدر تورم خواهیم داشت، به هیچ وجه منطبق با گفته‌ها و شایعاتی که از این سو و آن سو به گوش می‌رسد، نخواهد بود بلکه این امر به سیاست‌های دولت و بانک مرکزی مربوط می‌شود.

یعنی این قانون لزوماً باعث افزایش تورم نخواهد شد؟

بله، لزومی ندارد.

به نظر شما چه طبقات و اقشاری از اجرای این قانون سود می‌برند و چه اقشاری زیان می‌کنند؟

بدون تردید این قانون باعث می‌شود که پول از جیب ثروتمندان به جیب فقرا منتقل شود. این قانون باید به بهبود رفاه افراد کم‌درآمد و کاهش رفاه افراد دارا منتهی شود. از آنجایی که این مقدار کاهش، نسبت به رفاهی که آنها دارند جزئی است، اثر منفی قابل توجهی بر قشر مرفه جامعه نخواهد گذاشت.

این قانون چه تاثیری روی صنعت و تولید خواهد گذاشت؟

مهم‌ترین مساله و شاید پایه اصلی اصلاحات ناشی از این قانون، آثاری است که باید بر بخش صنعت و تولید بر جای بگذارد. ما انتظار داریم که با سیاست‌های جانبی و مکملی که دولت باید اتخاذ کند، صنایع ما به سرعت تجدید سرمایه‌گذاری کنند و به سمتی حرکت کنند که نه تنها کارایی اقتصادی افزایش یابد، تولید رشد داشته باشد و در نتیجه اشتغال افزایش یابد، بلکه مساله افزایش هزینه یا مساله قیمت‌ها هم متغی شود. مثلاً ما الان می‌توانیم از تولیداتی صحبت کنیم که مبتنی بر استفاده بسیار بالا از نهاده‌ای مثل گازوئیل هستند. فرض کنید مجموعه‌ای از ماشین‌آلات ۱۵۰۰ لیتر گازوئیل مصرف می‌کنند تا مقدار مشخصی تولید داشته باشند؛ در صورتی که تکنولوژی موجود در دنیا به گونه‌ای است که این ماشین‌آلات برای همان مقدار تولید ۳۰۰ لیتر گازوئیل مصرف می‌کنند. اگر بنگاهی که این ماشین‌آلات را در اختیار دارد، بتواند هر چه سریع‌تر آن تکنولوژی را جایگزین تکنولوژی کنونی‌اش سازد، خود به خود مقدار مصرفش یک‌پنجم می‌شود. در این صورت اگر قیمت را ۵ برابر هم کند، هیچ تاثیری در هزینه‌اش ندارد و حتی اگر قیمت را کمتر از ۵ برابر کند، هزینه‌اش کاهش هم می‌یابد و علاوه بر این، محصول تولیدی‌اش نیز از کیفیت بالاتری برخوردار است و طبیعتاً قابلیت رقابت بالاتری در بازار دارد.

جمشید پژویان، معتقد است قانون تثبیت قیمت‌ها به‌رغم اینکه به افزایش رفاه افراد و اقشار کم‌درآمد جامعه منجر می‌شود، تاثیر منفی چندانی بر سطح رفاه اقشار فرادست جامعه نیز نخواهد داشت. متن زیر حاصل گفت‌وگو با پژویان در باب قانون تثبیت قیمت‌ها و پیامدهای آن برای اقشار گوناگون جامعه است.

منتهای تولیدگران و صنعتکاران، این قانون بر وضعیت سایر حرف هم تاثیری می‌گذارد؟

بدون تردید اثر این قانون ابتدا در آن بخش از اقتصاد است که از نهاده‌های عرضه شده توسط دولت، که عمدتاً از حامل‌های انرژی‌اند، استفاده می‌کند اما وقتی که ما اصلاحی در بخشی از فرآیند تولید اقتصادی داشته باشیم، حتماً انتظار داریم که آثار آن به بقیه بخش‌ها هم منتقل شود. یعنی اگر ما از اتومبیل‌ها و کامیون‌هایی استفاده کنیم که میزان مصرف سوخت آنها به یک‌سوم رسیده باشد، اینها ماشین‌های مدرن‌تری هستند که امکانات بیشتری هم دارند و در نتیجه ما انتظار داریم که در حمل مسافر و بار کیفیت بهتری داشته باشند. بدین ترتیب اثر اصلاح در آن بخش از اقتصاد، به بخش حمل و نقل منتقل می‌شود. ما انتظار داریم با بهبود تکنیک تولید تولیدکنندگان الکتریسیته در ایران، که تقریباً شاید برای تولید الکتریسیته ۳ تا ۴ برابر تولیدکنندگان الکتریسیته در سایر کشورهای دنیا انرژی مصرف می‌کنند، هزینه تولید برق در ایران کاهش یابد. در این صورت جهش در قیمت برق به سرعت تعدیل خواهد شد.

این قانون شامل کالاهای وارداتی هم می‌شود؟

ما کالاهای وارداتی را تولید نمی‌کنیم. این کالاهای در جای دیگری تولید می‌شوند. ما به کالاهای وارداتی نهاد انرژی نمی‌دهیم. در واقع این کالاهای مشمول قوانین دیگری می‌شوند. مثلاً ممکن است که ما سیاست‌هایی را اتخاذ کنیم که در دوره گذاری که صنایع در حال عبور از فضای توأم با استفاده زیاد انرژی و کیفیت پایین تولید به فضای مبتنی بر تکنولوژی جدید کارآمد، بهبود کیفیت و کاهش در قیمت هستند، حمایتی از کالاهای وارداتی نکنیم؛ زیرا ممکن است در کشورهای صنعتی دامپینگ صورت گیرد و ما باید هوشیار باشیم تا به صنایع داخلی مان صدمه نخورد.

برخی معتقدند که متغیر بودن بهای کالاهای وارداتی با تثبیت قیمت‌ها جمع نمی‌شود.

با پوشش از این عزیزانی که حتماً افراد غیرمتخصص‌اند، باید بگوییم که اینها هیچ ربطی

به هم ندارد. کالاهای وارداتی از جای دیگری وارد می‌شوند و قیمت‌شان متغیر است و ما هم داریم تولید خودمان و نیز قیمت کالاهای مان را بهینه می‌کنیم. البته از آنجایی که در مرحله گذار قرار داریم، اگر در جایی قیمت کالاهایمان افزایش یافته باشد، ما می‌توانیم واردات را کنترل کنیم، الان ما از تولیدات هر کشوری در دنیا وحشت داریم. همه تولیدکنندگان داخلی ما به دنبال این هستند که از ورود کالاهای مشابه به کشور، کاملاً جلوگیری شود، زیرا توان رقابت ندارند و از تکنولوژی ناکارآمدی استفاده می‌کنند. وضع ما در آینده به مراتب بهتر می‌شود نه اینکه بدتر شود. من امیدوارم که ما در آینده نه تنها از واردات کشورهای دیگر وحشتی نداشته باشیم بلکه وحشت را در آنها ایجاد کنیم که قرار است کالاهای مان را به کشورشان صادر کنیم. من هیچ دلیلی نمی‌بینم که این اتفاق رخ ندهد.

حذف یارانه‌ها و آزاد کردن قیمت، تاثیری بر

قانون تثبیت قیمت‌ها می‌گذارد؟

یارانه‌ها به دلیل تثبیت قیمت به برخی کالاهای اختصاص می‌یافت و این کالاهای عمدتاً کالاهایی مورد استفاده گروه‌های ثروتمند بودند و در نتیجه آن یارانه‌ها متوجه ثروتمندان می‌شد. حالا حذف یارانه‌ها، از یک سو منجر به تحقق بیشتر عدالت و اصلاح قیمت‌های نسبی می‌شود.

اجرای این قانون در مجموع برای عموم افراد

جامعه پیامدهای مثبت دارد یا منفی؟

بدون شک این قانون باید برای اقتصاد آثار مثبت در برداشته باشد که شامل همه افراد جامعه شود چراکه این قانون ایجاد رشد اقتصادی و کارایی اقتصادی می‌کند اما اجرای این قانون، بدون تردید نیازمند دقت و استفاده از خبرگانی است که دائماً آن را رصد و کنترل کنند. در غیر این صورت، اگر دولت بخواهد براساس بعضی از اعمال گذشته که از سوی این دولت یا دولت‌های قبلی صورت می‌گرفت یا براساس بعضی مدیریت‌های خودسرانه، عمل کند، اجرای این قانون با شکست مواجه خواهد شد.

پیش‌بینی شما درباره سرنوشت این قانون در

مقام عمل چیست؟

من نمی‌توانم در مورد اعمال انسانی پیش‌گویی کنم ولی انتظار دارم که دولت در این مورد هوشیار باشد و برای اجرای این قانون حتماً به سخن خبرگان گوش بدهد. به‌خصوص حضور شورای رقابت برای کنترل رقابت، چه در واردات و چه در بازارها، می‌تواند کمک کننده باشد.

شما مواع اجرای این قانون را چه می‌دانید؟

مهمترین مانع اجرا، پاره‌ای از تبلیغات است. یعنی کسانی که در نتیجه اجرای این قانون صدمه می‌بینند یا حتی فکر می‌کنند که صدمه می‌بینند، چراکه بعضی‌ها نمی‌توانند متوجه شوند که این قانون در نهایت به نفع آنها است، از آنجایی که جزو همان گروه‌های ثروتمند یا بخش‌های تولیدی ناملتفت به پیامدهای مثبت این قانون هستند، ممکن است مواعی در مسیر اجرای این قانون پدید آورند یا تاثیرات منفی بر اجرای آن بگذارند؛ به‌ویژه اینکه این گروه‌ها صدایشان هم بلند است.

توفان تورم در راه است

آینده‌نگری اجرای طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها و تورم

در گفت‌وگو با دکتر عباس شاکری

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



پیش‌بینی شما از تورم پس از اجرای طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها چیست؟

پیش‌بینی در کشور ما که روندها ضابطه‌مند و منظم نیستند و عوامل متعدد و برون‌زا بر پدیده‌ها تأثیر گذار هستند آن هم عواملی که در معرض تغییرات نوسانی می‌باشند برای افق‌های کوتاه‌مدت کار سختی است اما پیش‌بینی روندهای بلندمدت امکان‌پذیر است.

اگر نتوان از روش‌های پیش‌بینی برای رفتار یک

پدیده استفاده کرد آیا می‌توان با تحلیل علل

تورم و گزینه‌های در دست اجرا نتایج را تحلیل

و تعیین کرد؟

این امکان‌پذیر است ما باید علل تورم را بیان کنیم. آن‌هم عللی که مورد توافق همه است و از این روش برای فهم آینده اجرای طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها و تاثیر آن بر تورم استفاده نمی‌شود.

دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوتی برای تعیین

پدیده تورم مطرح است. کدام دیدگاه با ساختار

جامعه ایران سازگارتر است؟

اختلاف نظرها در این موضوع بسیار قابل تامل است و لذا ابتدا ایده محوری این رویکردها را مطرح کرده و سپس در رابطه با ایران جمع بندی می‌کنیم.

دیدگاه طرفداران نظریه‌های پولی چنین است: یک علت معروف و تعیین کننده پدیده تورم کشش و جاذبه تقاضاست، اگر تقاضا در اقتصاد بالا رود اما عرضه با آن همراهی نکند طبیعتاً تورم روبرو می‌شویم مثلاً اجرای طرح‌های عمرانی بلندمدت تا زمان بهره‌برداری به تورم دامن می‌زند که طرفداران نظریه پولی از جمله فریدمن معتقدند که تورم همه جا و همیشه یک پدیده پولی است، رشد پول و نقدینگی می‌تواند کل تقاضا را تحت تاثیر قرار بدهد. این رویکرد بر آن نیست که مطلق انگاری کند و نقش سایر عوامل را نادیده بگیرد بلکه یک تاکید است تا کسی نقش پول را کم اهمیت تلقی نکند.

دیدگاه دوم دیدگاه «فشار هزینه» است. این دیدگاه بر بهای تمام شده نهاده‌ها و تولید محصول یا خدمات تاکید کرده و می‌گوید اگر هزینه تولید بالا رود، تورم هم بالا می‌رود. آن‌ها این نظریه پول‌گرایان را قبول ندارند که اگر قیمت نهاده‌ها بالا رود اما پول اضافه

نشود قیمت‌ها در جایی دیگر پائین می‌آید و بنابراین تورم که همان رشد میانگین وزنی نسبت قیمت‌ها است تغییر نمی‌کند. رابینسون می‌گوید چه کسی گفته که اگر ۴۰ درصد قیمت نهاده‌ها بالا رود، تورم به وجود نمی‌آید مگر اینکه پول بیاید، طرفداران نظریه پولی در جواب می‌گفتند ما سر حرف خود هستیم، هر جا که پول اضافه شده تورم به وجود آمده است، اگر پول نبود، تورم هم نبود رابینسون می‌گوید این علت یابی نیست، در نهایت شما همبستگی را نشان می‌دهید نه علت را؛ همبستگی علت را نمی‌رساند، وقتی ۴۰ درصد قیمت نهاده‌ها بالا رفت، قیمت بالا می‌رود و پول به صورت انفعالی تبعیت می‌کند (پول passive) یا سرعت گردش پول تعدیل می‌شود تا چنین کاری امکان‌پذیر شود. این گروه نیز منکر تاثیر رشد نقدینگی نیستند.

سومین گروه ساختارگرا هستند. این نظریه عموماً در رابطه با جهان سوم و کشورهای در حال توسعه مطرح است. منشأ تورم تضادها و تعارضات ساختاری و توزیعی است. اگر در اقتصادی قدرت قیمت‌گذاری برای عوامل وجود داشته باشد، صاحبان چنین قدرتی برای بالا بردن سهم نسبی خود قیمت‌ها را به صورت ناهماهنگ با دیگران بالا می‌برند و لذا قیمت‌ها به صورت مستمر بالا می‌روند و دیگران هم تقریباً همین طور عمل می‌کنند (اما ناهماهنگ). عواملی که قدرت قیمت‌گذاری دارند به طور موقت سهم خود را بالا می‌برند. باید متذکر شد این پدیده در بازارهای رقابتی چندان موضوعیت ندارد.

بنابراین وجود قدرت قیمت‌گذاری بالا و اضافه قیمت‌های دلخواه توسط عواملی که قدرت قیمت‌گذاری دارند از جمله علل تورم در کشورهای در حال توسعه است. در این اقتصادها به دلیل اینکه ثبات حاکم نیست و بازارها عمق ندارند، قدرت قیمت‌گذاری وجود دارد و تورم نیز تاثیر یکسانی بر همگان ندارد. فرض کنید بر یک صنف تاثیر زیادی می‌گذارد و بر صنف دیگر تاثیر کم چرا که قیمت‌ها نامتناسب تغییر می‌کند.

کدام رویکرد یا دیدگاه در ایران برای تحمیل

پدیده تورم از اعتبار بیشتری برخوردار است؟

آنچه که مسلم است نقدینگی ما ثبات ندارد، ده‌ها

هزار میلیارد تومان معوقه بانکی داریم، رشد نقدینگی با نوسان همراه است، لذا ما از ناحیه منبع پولی تورم آسیب پذیر هستیم؛ اعتبارات هم تسهیل کننده تولید و خدمات همراه آن نیست.

وجود قدرت قیمت های دلخواه توسط صاحبان قدرت در اقتصاد ایران مشهود است فرضاً قیمت خدمات را هر چه امکان پذیر باشد بالا می برند، یا تفاوت میان قیمت خرید محصول از کشاورز و فروش به مصرف کننده بسیار بالا است. یا در مسکن و بازار سهام ما حباب شکل می گیرد، حباب در اقتصادها یک استثنا است، اما در اقتصاد ما به صورت یک اصل عمل می کند. آن قدر در اقتصاد ما شدت دارد که علامت دهی قیمت ها را به عنوان یک امتیاز برای اقتصاد از کار انداخته است و قیمت محصولات، اطلاعات درست و ارزشمندی به صاحبان کسب و کار و مردم نمی دهند. افزایش هزینه تمام شده محصولات نیز به طور طبیعی در اقتصاد ایران با افزایش قیمت ها همراه بوده است.

بنابراین نظرات مطرح شده هر کدام بخشی از واقعیت تورم را در اقتصاد کشور منعکس می کنند و لذا نباید صرفاً بر یک عامل تمرکز نماییم و در تحلیل نتایج اجرا شدن طرح یارانه ها تأثیر همه عوامل را مد نظر قرار بدهیم.

روشن تر و شفاف تر در این زمینه صحبت کنیم؟ حامیان اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها بر کدام دیدگاه تمرکز دارند و روندها در چه جهتی در حرکت هستند؟

نظرات مطرح شده از انسجام و وحدت مناسبی برخوردار نیستند، عده ای بر این باور هستند که اگر مقامات کشور

پول را کنترل کنند، تورم مهار میشود، اما باید گفت که این شوک درمانی در صورتی منجر به تورم نمی شود که پول منفعل نباشد و سرعت گردش پول نیز انعطاف پذیر نباشد. اما ممکن است پول به صورت قابل ملاحظه ای منفعل باشد که در آن صورت با بروز کسری بودجه در آخر سال ما با نشر انفعالی پول و تورم روبه رو خواهیم شد از طرف دیگر انعطاف سرعت گردش پول در اقتصاد خیلی بالا است. مثلاً در سال ۷۴ نرخ رشد پول ۳۶ درصد، تورم عمده فروشی در حدود ۶۰ درصد و تورم خرده فروشی در حدود ۵۰ درصد بوده است، چرا با وجود رشد ۳۶ درصد نقدینگی تورم ۵۰ درصد بوده است؟ به نظر می رسد که سرعت گردش پول عامل آن بوده است و یا در سال ۸۵ نرخ رشد نقدینگی ۴۰ درصد بوده است اما تورم ۱۳/۶ درصد شده است و ۶ درصد هم رشد تولید ناخالص ملی داشته ایم. لذا باید سرعت گردش پول کم شده باشد. اما واقعیت این است که چرخش پول تغییر نکرده است، بلکه پول ها به سمت معاملات نامرتبط با تولید ناخالص ملی رفته است، معاملات زمین، مسکن (غیر نوساز) که دست به دست شدن متعدد کالاها و شکل گرفتن حباب ها و افزایش تعداد معاملات را در پی داشته است، بنابراین

در اقتصاد ایران اینطور نیست که اگر یک واحد پول اضافه شود و تولید اضافه نشود تورم ایجاد می شود بلکه پول به سمت معاملات نامرتبط با تولید ناخالص ملی می رود و ترکیب معاملات به هم می ریزد نه اینکه سرعت گردش پول عملاً کند می شود. به عبارت دیگر تغییر توزیع پول میان معاملات مرتبط با رشد تولید ناخالص ملی و نامرتبط در اقتصاد ایران معنادار است که در اقتصاد رقابتی این موضوع مطرح نیست. و لذا خیلی ساده انگارانه است که با کنترل نقدینگی بتوان تورم را کنترل کرد. بلکه اگر اقتصاد با ثباتی داشتیم با کنترل نقدینگی تورم کنترل می شد اما نقدینگی دست شما نیست، آن قسمت که منفعل است دست شما نیست. تعدیل سرعت را چه کار می کنید. به عنوان مثال در برنامه اول و دوم و سوم نرخ های مصوب نقدینگی را ببینید و عملکرد را هم مشاهده کنید. طبق برنامه رشد نقدینگی ۸ درصد باید باشد عملکرد ۲۶ درصد است. طبق برنامه ۱۰ درصد باید باشد عملکرد ۳۰ درصد است رشد ۱۱ درصد را تصویب کرده اند عملکرد ۳۳ درصد است این نشان می دهد که بخشی از پول منفعل است. طرفداران نظریه فشار هزینه هم ظاهراً فعال شده اند و نهضت کاهش قیمت تمام شده را مطرح کرده اند که این موضوع را در دو سطح خرد و کلان پیگیری می نمایند که با واکنش نسبتاً منفی بخش خصوصی روبه رو شده است و ابهامات زیادی برای آن ها مطرح شده است که چگونگی ورود به این بحث و مطرح شدن در چارچوب دستورالعمل ها و بخش نامه ها نشان می دهد که نباید انتظار جدی از این به اصطلاح نهضت بهای تمام شده داشت.

از اظهار نظر ها و رفتار های دولت این برداشت می شود که قضیه یارانه ها بیشتر به رویکرد پولی تأکید دارد و یکی هم بر اساس ضرایب ارتباط کالاهای مشمول یارانه ها با کالاهای دیگر، به عنوان مثال در حوزه تولیدات صنعتی، پتروشیمی و حمل و نقل. اما ما بعضاً خدایان قیمت گذاری داریم که آنها به حد تناسب و ضرایب واقعی قیمت ها را بالا نمی برند، با اجرای این طرح مجالی پیدا می کنند که قدرت قیمت گذاری خود را اعمال کنند. نتیجه اینکه:

انضباط پولی در حد مناسب نداریم و نوسانات پولی را خواهیم داشت.

قدرت قیمت گذاری های دلخواه در اقتصاد بسیار بالاست.

فشار هزینه ها نیز آثار خود را دارد.

هرج و مرج قیمت ها در اقتصاد ایران وجود دارد و تثبیت کردن آن هم کار ساده ای نیست.

قیمت پایین انرژی برای تولید ما تاکنون یک امتیاز بوده است، با وجودی که تولید ما فناوری پویا ندارد، R&D ندارد و از روش های مدرن مدیریت بی بهره است اما پایین بودن قیمت انرژی مزیت محصولات داخلی را کم و بیش حفظ کرده است. با حذف این امتیاز آیا مطمئن هستیم که می تواند بماند، آیا می تواند با کالاهای قاچاق و واردات رقابت کند؟ یک نگرش سطحی در اینجا وجود دارد و می گویند قیمت ها علامت می دهند و ساختار تولید اصلاح می شود، فناوری به روز می شود اما واقعیت آن است که مسیر این تحول و تغییر حداقل در کوتاه مدت فراهم نیست و افزون بر واردات از جمله عواملی است که به احتمال

فراوان برای جلوگیری از شتاب تورم مورد توجه قرار می گیرد اما این موضوع گرچه برای کاهش شتاب تورم خوب است اما آسیب زننده به تولید است.

به طور طبیعی قیمت خدمات در حمل و نقل بالا می رود، در بخش کشاورزی هزینه های تولید بالا می رود. بنابراین احتمال دارد که تولید به طور قابل ملاحظه ای آسیب ببیند چون قدرت تعدیل شونگی ماشین تولید ما بسیار پایین است و نمی تواند در مقابل افزایش قیمت ها خود را تعدیل کند، انعطاف پذیر نیست، ساختار مدرن و قوی در تولید نداریم. بین بخش ها تعامل منطقی و درون زا وجود ندارد.

در حوزه ی شرکت ها هم معلوم است که استفاده کنندگان مستقیم یا غیرمستقیم از یارانه ها بیشتر تحت تأثیر قرار می گیرند. اما افزایش هزینه های تولید و حذف امتیاز رقابتی این بخش توام با مقرون به صرفه تر شدن واردات رسمی و غیررسمی شده و به احتمال زیاد باعث می شود که سرمایه ها از بخش های مولد به سوی بخش های غیرمولد بروند و در صورت رونق یافتن بازارهای جهانی مانند دبی فرار سرمایه ها افزایش یابد.

این احتمال هم هست که با افزایش بی ثباتی ها کنترل های نامعقول دولت هم افزایش یابد. و به فرض تعزیرات دولتی فعال شود که این امر به نوبه ی خود مساله آفرین بوده و بر پیچیدگی موضوع می افزاید.

بر صادرات و واردات چه تأثیری دارد؟

آنچه مسلم است اجرای این طرح بر صادرات تأثیر دارد و اگر نظام تعرفه ای هوشمند نباشد واردات زیاد می شود.

دولت مدعی است که با پرداخت پول فشار آن را

به دوش مردم کم می کند. دیدگاه شما چیست؟

دولت نمی تواند با پرداخت پول مساله ی مردم را حل کند. چرا که تورم متناسب عمل نمی کند و قدرت خرید قشرهای پایین به شدت کاهش می یابد و همچنین این پول آنقدر کم می گویند محقق نمی شود و بخشی از آن را هم دولت با افزایش هزینه های خود مصرف خواهد کرد و از آن گذشته قادر نخواهد بود که به طور مستمر این پول را پرداخت کند.

ما نظرم این بود که قبل از اینکه از اهرم قیمت استفاده کنیم باید بسترها را فراهم کرد، به فرض حمل و نقل شهری را توسعه داد، بهینه سازی مصرف انرژی را در صنایع انجام داد. انضباط مالی و پولی را توسعه داد و بالاخره حداقلی از اصلاح ساختارها را به انجام می رساندیم.

سخن آخر این که، انتظار می رود که تورم حاصل از اجرای این طرح بسیار قابل ملاحظه باشد. مراکز رسمی مانند مرکز پژوهش های مجلس و چند جای دیگر به طور رسمی برآورد تورم کرده اند که این برآوردها بسیار متفاوت هستند که خود این امر گویای آن است که میزان تورم، نامطمئن است چرا که اختلاف نظر میان آن ها بسیار زیاد است و لذا تورم مشکل غیرقابل اجتناب این اقدام خواهد بود و انضباط پولی هم با این وصفی که در عملکرد پولی داریم به یکباره تحقق پذیر نیست و در خصوص انتظارات تورمی و تأثیر اقدامات عوامل قیمت گذار و وضع قیمت های دلخواه دغدغه داشته و دل واپس هستیم. باید متذکر شد این ها همه علاوه بر افزایش های لازم مرتبط با افزایش هزینه ها است.

آینده نگران کننده است

پیامدهای سیاسی هدفمند کردن یارانه‌ها در گفتگو با جمشید انصاری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

هدفمند کردن یارانه‌ها، تامین چه اهدافی است؟

همان طور که از اسم قانون بر می آید فرض بر این است که یارانه‌هایی که الان در کشور در حوزه‌های مختلف به ویژه در زمینه حامل‌های انرژی پرداخت می‌شود، آنگونه که باید به گروه‌های هدف نمی‌رسد و این قانون به دنبال این است که یارانه را از طریق روش‌هایی به گروه‌های هدف برساند. بخشی از این روش‌ها در قانون مشخص شده است و بخشی از آنها را دولت در زمان اجرای قانون مشخص خواهد کرد.

خیلی‌ها معتقدند که اجرای این قانون منجر به افزایش فشار اقتصادی بر گروه‌های هدف این قانون خواهد شد. آیا این تحلیل درست است؟

ممکن است، چنانکه گفتیم، بخشی از روش‌های اجرای این قانون توسط دولت مشخص خواهد شد. ممکن است دولت روش‌هایی را برای اجرای این قانون انتخاب کند که موجب وارد شدن فشار بر برخی از اقشار جامعه شود. شاید هم این روش‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که در مقام عمل، فشار کمتری بر این اقشار وارد شود. امر این بستگی به روش‌هایی دارد که برای اجرای این قانون اتخاذ می‌شوند.

اگر روش‌های دولت موجب فشار بر بخشی از جامعه شود، کدام طبقات در این بخش قرار می‌گیرند؟

طبیعتاً طبقات متوسط به پایین را شامل می‌شود. برخی هم معتقدند که دولت احمدی‌نژاد با هدف تحت فشار قرار دادن طبقه متوسط جدید، در پی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌هاست؟

نه، من چنین برداشتی ندارم. به هر حال دولت مشکلاتی در تنظیم بودجه کشور دارد و نیازمند دستیابی به منابع جدیدی برای تنظیم بودجه است. از آنجایی که این قانون این اجازه را به دولت می‌دهد که با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، به منابع جدیدی دست یابد، شاید یکی از هدف‌های درست از اجرای این قانون، دستیابی به این منابع بوده باشد. من با این تحلیلی که شما به آن اشاره کردید، چندان موافق نیستم یا اینکه حداقل من خیلی به این موضوع دقت نکردم.

آیا می‌توان گفت که این قانون در صورت اجرا شدن، به سود برخی از اقشار و طبقات هم خواهد بود؟

هر قانون وقتی که اجرا شود، گروه‌هایی هم از آن منتفع می‌شوند. بستگی به روش‌های اجرای این قانون دارد.

شما روش‌های خاصی را مدنظر دارید؟

اول دولت باید روش‌هایش را اعلام کند تا بتوان درباره آنها اظهار نظر کرد؛ اما در جواب شما باید بگویم که این کار را با مدل‌های مختلفی می‌توان انجام داد. هر یک از این مدل‌ها نیز پی‌آمدهای خاص خودش را دارد. تا زمانی که دولت مدل مدنظر خودش را مشخص نکرده باشد، نمی‌توان درباره پی‌آمدهای آن اظهار نظر کرد.

در بین این مدل‌ها، گزینه خاصی مدنظر نمایندگان

مجلس است؟

در این قانون چارچوب‌های کلی این کار مشخص شده است. گزینه‌های اجرایی را مجلس مشخص نکرده است زیرا این امر در گرو نحوه قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی و شیوه این قیمت‌گذاری است. تصمیم‌گیری در این باره به دولت واگذار شده است. پس از اتخاذ تصمیم از سوی دولت در این زمینه، می‌توان ارزیابی کرد که تصمیم دولت چه پی‌آمدهایی دارد و تأثیرات مثبت و منفی‌اش برای اقشار گوناگون جامعه چیست.

این قانون چه تأثیری روی تورم خواهد گذاشت؟

قطعا اجرای این قانون آثار تورمی خواهد داشت؛ چه تورم عملکردی و چه تورم انتظاری ولی میزان تورم عملکردی و انتظاری دقیقاً بستگی به شیوه‌ای دارد که دولت برای اجرای این قانون انتخاب می‌کند. اگر دولت در یک بازه زمانی طولانی‌تری این قانون را اجرا کند، یعنی افزایش قیمت‌ها در هر سال در حد مشخصی مثلاً بین ۱۵ تا ۲۰ درصد باشد، طبیعتاً آثار تورمی‌اش پایین‌تر خواهد بود ولی اگر افزایش قیمت‌ها از شیب تندتری برخوردار باشد، آثار تورمی‌اش نیز بیشتر خواهد بود.

برخی نیز معتقدند که این قانون، فارغ از اینکه کدام دولت بر سر کار باشد، نهایتاً اجرا نخواهد شد زیرا

نظام جمهوری اسلامی اساساً توان انجام چنین کاری را ندارد. نظر شما در این باره چیست؟

من اعتقاد ندارم که چنین کاری شدنی نیست ولی معتقدم ضمانت اجرای قانون، روش اجرای آن است.

اگر روش‌های حساسیت‌برانگیز و نادرستی برای اجرای این قانون در نظر گرفته شود، ممکن است مسوولان و تصمیم‌گیرندگان را به جایی برساند که اجرای آن را متوقف کنند. همه چیز به تصمیماتی بستگی دارد که در مقام اجرا اتخاذ می‌شوند.

لطفاً یکی، دو نمونه از روش‌های نادرست اجرای این قانون را مثال بزنید.

یکی از همان نحوه تعیین شیب افزایش قیمت‌هاست و دیگری حوزه‌هایی است که از این افزایش قیمت‌ها متأثر می‌شوند. مثلاً فرض کنید دولت بخواهد ۵۰ درصد افزایش قیمت‌ها را در سال اول اعمال کند. تورم عملکردی و انتظاری ناشی از چنین اقدامی بسیار بالا و آستانه تحمل جامعه در برابر این حد از تورم پایین خواهد بود. ضمن اینکه در همین افزایش قیمت‌ها تا ۵۰ درصد ممکن است دولت قیمت حامل‌هایی را افزایش دهد که گروه‌های بیشتری از طبقات پایین جامعه از آنها بهره‌مند هستند یا برعکس؛ به سمت افزایش قیمت حامل‌هایی برود که چنین ویژگی‌ای ندارند. مثلاً اگر دولت قیمت گازوئیل را افزایش دهد، از آنجایی که مصرف‌کنندگان گازوئیل وسایل عمومی حمل‌ونقل هستند، طبیعتاً در اینصورت هزینه‌های عمومی حمل‌ونقل افزایش می‌یابد و این امر ممکن است برای

استفاده‌کنندگان از وسایل عمومی

حمل‌ونقل، قابل تحمل نباشد. اینکه دولت کدام یک از حامل‌های انرژی را چه میزان و نیز متوسط آنها را به چه میزان افزایش دهد، در موفقیت طرح و امکان تداوم اجرای آن بسیار مؤثر است.

دولت اجرای این قانون را با افزایش قیمت کدام کالاها باید شروع کند؟

دولت طبق قانون باید از همان حامل‌های انرژی شروع کند و پس از آن به سایر کالاها پی ببرد که الان به آنها یارانه پرداخت می‌شود. شما در مجموع به اجرای این قانون خوش‌بین هستید؟

نه

چرا؟

به نظر من دولت برای اجرای

این قانون روش‌هایی مورد نظرش است که چندان مطلوب نیستند. زمانی که دولت این لایحه را ارائه کرد، با مجلس بر سر این روش‌ها اختلاف داشت به‌رغم اینکه مجلس چارچوب‌های مشخصی برای اجرای این قانون مشخص کرده است، دولت اصرار دارد که همان

روش‌ها و چارچوب‌های خودش را مبنای اجرای این قانون قرار دهد. مجلس به دلیل زبان‌های مرتبط بر این روش‌ها و چارچوب‌ها، آنها را تأیید نکرد و روش‌ها و چارچوب‌های دیگری را جایگزین آنها کرد. اگر دولت به آنچه که مجلس به عنوان قانون تصویب کرده تن بدهد، می‌توانیم امیدوار باشیم که این قانون با مشکلات کمتری اجرا شود اما اگر دولت اصرار داشته باشد که از چارچوب‌های مشخص شده از سوی قانون‌گذار خارج شود و به چارچوب‌های خودش تکیه کند، طبیعتاً پی‌آمدهای نامطبوعی روبه‌رو خواهد شد که نمایندگان مجلس در زمان تصویب این قانون به آن اشاره کردند. در مجموع عملکرد و رفتارهای دولت نشان می‌دهد که دولت به همان روش‌های خودش گرایش دارد که در چارچوب مصوب مجلس نیستند و این امر نگران‌کننده است.

نگرانی شما اقتصادی است یا سیاسی هم هست؟

هر دو. وقتی که در کشور مشکلات اقتصادی وجود داشته باشد و این مشکلات اقشار قابل توجهی را در بر بگیرد، طبیعتاً این امر پی‌آمدهای اجتماعی و سیاسی هم پیدامی‌کند.

جمشید انصاری، نماینده مردم استان زنجان در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس است. وی اگر چه معتقد است اجرای درست قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مانع از آن می‌شود که طبقات پایین جامعه تحت فشار اقتصادی قرار گیرند، ولی به اجرای درست این قانون از سوی دولت چندان امیدوار نیست. انصاری حدس می‌زند که درست در مقام اجرای این قانون، به چارچوب تعیین شده از سوی مجلس پای‌بند نمی‌ماند و همین امر سرآغاز ایجاد مشکلاتی تازه در اقتصاد کشور می‌شود. گفت‌وگوی زیر حاوی نظرات جمشید انصاری در باب قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و پیامدهای اجرای این قانون است.



ریسک در پتروشیمی

پیش‌بینی بازار مواد پتروشیمی

■ عبدالرحیم پدرام

نخست و افزایش ظرفیت‌بخش پتروشیمی در طول سال پیش‌بینی می‌شود که صادرات ایران به ۹/۵ میلیارد دلار خواهد رسید. از دوازده پروژه‌ی پتروشیمی که باید در سال ۱۳۸۷ خاتمه می‌یافتند، تنها سه پروژه به اتمام رسیده‌اند. محیط‌کلی کسب‌وکار و تجارت ایران در بافت منطقه‌ای فاقد جذابیت است. در حالی که مخاطرات اقتصاد بلندمدت، معتدل و متوسط است، ریسک سیاسی بالاتر از حد متوسط است. تحریم‌ها اثر مخربی بر صنایع دارند که تأخیرناشایی از مشکلات مهندسی، دسترسی محدود به بازارهای بین‌المللی مالی، ریسک بالای وام‌گیری و مشکلات عرضه است. ایران رتبه‌ی پنج خود در محیط کسب‌وکار پتروشیمی خاورمیانه را با امتیاز ۵۶/۹ حفظ کرده است. این کشور ۲/۳ امتیاز عقب‌تر از کویت و تنها ۵ درصد امتیاز جلوتر از رژیم صهیونیستی است. با توجه به آن صنعت پتروشیمی ایران تحت سیطره‌ی دولت است، نمره‌ی ریسک بازار آن پایین است در حالی که ریسک سطوح اقتصادی و سیاسی آن بالا است. انتظار می‌رود که تا پایان سال شرکت بازرگانی پتروشیمی ایران به‌عنوان صادرکننده‌ی محصولات پتروشیمی، صادراتی معادل ۹ میلیارد دلار داشته باشد که معادل ۶۲ درصد ارزش کل صادرات است. اگر چنین تحقق یابد شاهد افزایش ۶۳ درصدی ارزش صادرات پتروشیمی و ۹۶ درصدی فروش داخلی آن خواهیم بود. پیش‌بینی شرکت بازرگانی پتروشیمی ایران بالاتر از هدف ۸ میلیارد دلاری وزارت نفت است. مؤسسه‌ی بیزنس مانی‌تور براساس نتایج چندماهه نخست سال شمسی و افزایش ظرفیت‌بخش پتروشیمی در مابقی سال، پیش‌بینی می‌کند که حجم صادرات ایران به ۹/۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

مسئولیت این خط لوله در جنوب شرقی ایران را به‌عهده دارد، کنترل خواهد شد. تأخیر در ساخت و بهره‌برداری از این خط لوله موجب تضعیف توسعه‌ی کارخانه‌های پلی‌اتیلن موجود در مسیر آن می‌شود. اگرچه نشانه‌هایی در مورد کمبود اعتبار بخش صنعت پتروشیمی به چشم نمی‌آید. علی دیواندری رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بانک ملت (تهران) که در مسایل مالی بخش انرژی تبحر و مهارت دارد اظهار داشت که هدف ایران در تبدیل شدن به بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی مواد پتروشیمی در خاورمیانه در مجموع نیاز به سرمایه‌گذاری ۶۵۷۰ میلیارد دلاری، از جمله ۳۰ میلیارد دلار در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه دارد. دولت ایران امیدوار است که تا پایان پنجمین برنامه توسعه‌ی اقتصادی پنج‌ساله‌ی ایران با ایجاد ۴۷ مجتمع پتروشیمی، در مجموع ۴۳ میلیون تن به ظرفیت این بخش بیفزاید. براساس اظهارات مقامات رسمی ایران، در صورت عملیاتی شدن این پروژه‌ها، ایران حداقل ۵/۳ درصد تولید جهانی پتروشیمی و ۳۶ درصد تولید خاورمیانه را در اختیار خواهد داشت. یک چالش کلیدی فراوی رشد این بخش تأمین امنیت بخش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی گسترش آن است، به ویژه قوانین جدیدی که براساس آن‌ها شرکت ملی پتروشیمی ایران از در اختیار داشتن بیش از ۲۰ درصد هر پروژه‌ای منع شده است. این وضعیت باید در حالی به سرانجام برسد که ایران با تحریم‌های بین‌المللی روبه‌رو است که اثر منفی بر دورنمای مخاطرات آن دارد. بخش صادرات پتروشیمی فعال و پررونق است. براساس آمار وزارت نفت، ایران در چهار ماه نخست سال ۲/۹۵ میلیارد دلار محصولات پتروشیمی صادر کرد. که نسبت به سال گذشته افزایش حدود ۲۰ درصد را نشان می‌دهد. حجم آن به ۳/۳۶ میلیون تن رسید. براساس نتایج چند ماه

براساس آخرین گزارش مواد پتروشیمی ایران که توسط بیزنس مانی‌تور ارائه شده، پروژه‌ی خط لوله ۲۴۰۰ کیلومتری اتیلن غرب که برای توسعه‌ی صنعت پتروشیمی ایران بسیار مهم است و تأخیرهای احتمالی بر زنجیره‌ی تولید آن اثر می‌گذارد، پیشرفت کرده است. در چهار ماه نخست سال گذشته، حدود ۲۵ میلیون دلار برای این خط لوله سرمایه‌گذاری شد. این خط لوله پس از پنج سال از آغاز کار ساخت آن، ۵۲ درصد کار انجام شده است. مجموع سرمایه‌گذاری انجام شده در این پروژه ۱/۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و باید در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ خاتمه یابد. مؤسسه بیزنس مانی‌تور با توجه به آن که تنها نیمی از پروژه انجام گرفته و احتمال وجود دشواری‌های مالی هم می‌رود بر این باور است که تکمیل پروژه با تأخیر صورت خواهد گرفت و گسترش بخش پتروشیمی ایران با خطر روبه‌رو می‌شود. این خط لوله در مسیر خود به یازده مجتمع اتیلن می‌رساند و دارای ظرفیت ۲/۸ میلیون تن در سال خواهد بود. مجتمع شماره‌ی هشت الفین گچساران که در سال ۱۳۹۲ به ظرفیت ۱ میلیون تن اتیلن فعال خواهد شد و مجتمع شماره یازده الفین کاویان دارای دو کارخانه اتیلن ۱ میلیون تنی که در سال ۱۳۸۹ فعال می‌شوند، این خط لوله را تغذیه خواهند کرد. براساس طرح‌های تجدیدنظر شده این خط لوله توسط دو شرکت پتروشیمی باختر که بر مسیر ۲۲۰۰ کیلومتری خط لوله از عسلویه در جنوب ایران تا مهاباد در شمال و شرکت منطقه‌ی دنا که



۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۶۰۰	۴۵۰۰	۴۴۰۰	۴۳۴۰	۴۳۰۰	۴۲۸۵	۴۳۴۳	۴۲۶۸	تولید نفت (میلیون بشکه در روز)
۱۸۹۰	۱۸۵۲	۱۸۱۵	۱۷۸۰	۱۷۴۵	۱۷۱۱	۱۶۶۹	۱۶۰۷	مصرف نفت (میلیون بشکه در روز)
۲۷۱۰	۲۶۴۸	۲۵۸۵	۲۵۶۰	۲۵۵۵	۲۵۷۴	۲۶۷۴	۲۶۶۱	صادرات نفت (میلیون بشکه در روز)
۱۹۵	۱۸۰	۱۶۵	۱۵۰	۱۳۰	۱۱۵	۱۰۵	۱۰۰/۹	تولید گاز
۱۶۳	۱۵۲	۱۴۱	۱۳۰	۱۱۹	۱۱۰	۱۰۵/۱	۱۰۲/۴	مصرف گاز
۳۲/۰	۲۸/۰	۲۴/۰	۲۰/۰	۱۱/۰	۵/۰	-۰/۱	-۱/۵	صادرات گاز
۲۴۰۰	۲۴۰۰	۲۴۰۰	۲۲۰۰	۲۰۰۰	۱۷۰۴	۱۷۰۴	۱۶۱۹	ظرفیت پالایش
۱۱۲۶۶	۱۰۰۶۶	۸۱۶۶	۵۲۶۶	۵۲۶۶	۳۵۰۶	۲۳۶۶	۱۸۶۶	ظرفیت اتیلن (تن)
۵۳۰۰	۴۳۲۰	۲۸۵۰	۲۸۲۰	۲۸۲۰	۲۰۲۰	۱۴۲۰	۴۲۰	ظرفیت PE (تن)
۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۲۰۰	۹۱۰	۹۱۰	۹۱۰	۳۱۰	۳۱۰	ظرفیت PP (تن)

در جستجوی بنزین

ابتکار ایران برای تامین بنزین خود
در شرایط تحریم

ایران در نظر دارد در صورت تحریم صادرات بنزین، تولید داخلی خود را با استفاده از پالایشگاه‌های پتروشیمی افزایش دهد. این روش هزینه تمام شده را افزایش می‌دهد و در نتیجه کوتاه‌مدت خواهد بود. ماه گذشته ایران در اقدامی آزمایشی در قالب این طرح به تولید بنزین اقدام کرد. وزیر نفت ایران در همان زمان گفت: «می‌خواهیم به غرب نشان دهیم نمی‌توانند برای ما محدودیت ایجاد کنند».

رویترز به ابراز تردید تحلیلگران غربی در این زمینه اشاره کرد و مدعی شد: بدون داشتن مولفه‌های اساسی نفت نمی‌توان در کارخانه پتروشیمی بنزین تولید کرد. براساس تحلیل رویترز، اگر ایران می‌توانست با استفاده از کارخانه‌های پتروشیمی در تولید بنزین خودکفا شود این کار را زودتر از اینها انجام می‌داد. چندی پیش نیز میرکاظمی، وزیر نفت ایران در مورد دلیل عدم اجرای این طرح قبل از تحریم‌ها گفت: در حال حاضر قیمت تمام شده بنزین در این طرح ۳۰ درصد بیشتر از قیمت بنزین وارداتی است. با استفاده از صنعت پتروشیمی ایران می‌تواند ۱۴ میلیون لیتر در روز بنزین تولید کند که به این ترتیب تولید بنزین ایران به ۵۸/۵ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد. متوسط مصرف بنزین در ایران ۶۶/۵ میلیون لیتر در روز است. یک کارشناس نفتی به رویترز گفت: راه‌های مختلفی برای تولید بنزین در کارخانه‌های پتروشیمی وجود دارد و گفت: استفاده از گاز طبیعی مسیر ساده‌تری است. وی افزود: ما احساس می‌کنیم ایران در حال کاهش تولید بنزین، تلوئن و اکسیلن خود است و در مقابل در حال افزایش تولید بنزین از این روش است.

منبع: رویترز



کدام صنایع از افزایش قیمت انرژی آسیب خواهند پذیرفت؟

نام کالا	قیمت فروش (هزار ریال بر تن)	مصرف برق (کیلووات ساعت بر تن)	مصرف گاز (متر مکعب بر تن)	سهم انرژی در ستانده (درصد)	میزان افزایش قیمت مستقیم (هزار ریال بر تن)	میزان افزایش قیمت مستقیم (درصد)
قند و شکر	۵۶۰۰	۲۵۰	۱۵۰۰	۵/۳۵	۱۸۸۳/۵	۳۳/۶۳
شیشه تخت	۳۰۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۰/۲۵	۴۶۲	۱۳/۳۶
سیمان	۵۴۰	۱۱۰	۱۰۰	۸/۲	۱۷۸/۵۸	۲۷/۴۷
ریخته گری	۶۲۰۰	۱۲۰۰	۰	۴/۸۲	۶۸۲	۱۰/۹۹
روی	۱۵۸۱۰	۴۵۰۰	۱۰۰۰	۶۱۰۳	۳۷۱۷	۲۳/۵۱
مس	۳۰/۰۰۰	۴۲۰۰	۴۳۰	۳/۷۳	۲۸۸۴/۸۳	۹/۶۲
شمش آلومینیوم	۲۲۳۰۰	۱۵۹۰۰	۲۲۳	۱۶/۴۸	۹۲۹۰	۳۸/۱۷
کنسانتره سنگ آهن	۵۰۰	۶۰	۱۹۳	۷/۴۲	۲۳۹/۱۳	۴۷/۸۳
فروآلیاژ	۲۲۰۰۰	۱۰۵۹۰	-	۱۲/۳	۶۰۱۵/۱	۲۷/۳۴
تیر آهن ۱۴-۱۸	۷۰۵۰	۲۶۳	۴۲۰	۱/۸۷	۶۳۷	۹/۰۴
نئوپان	۲۳۵۰	۲۶۰	۱۰۵	۳/۴۷	۲۶۹/۵	۱۱/۴۷
کاغذ بسته‌بندی	۶۰۰۰	۱۱۵۰	۳۵۰	۵/۷۱	۱۰۵۹	۱۷/۶۶
ظروف شیشه‌ای	۱۰۰۰۰	۵۵۰	۵۳۸	۲/۲۳	۹۳۷/۲	۹/۳۷

قیمت‌ها مربوط به پایان سال ۱۳۸۷ می‌باشد/ قیمت دلار ۹۳۰۰ ریال در نظر گرفته شده است/ در محاسبات از سناریوی بیشترین افزایش قیمت با فرض اصلاح یکباره قیمت‌ها استفاده شده است (بدترین حالت).

۳- سیمان، کاشی، سرامیک، شیشه تخت، چینی بهداشتی، آجر، گچ، آهک، سنگ
۴- صنایع غذایی با اولویت قند و شکر و روغن نباتی
جدول زیر تاثیر هدفمند سازی یارانه‌ها را بر تعدادی از کسب و کارها به صورت نمونه با توجه به مفروضات بیان شده نشان می‌دهد.

راهنمای جبران آثار افزایش قیمت انرژی

راهنمایی‌هایی که دولت برای مواجهه با این مساله پیش بینی کرده است عبارتند از:

- ۱- طراحی سناریوی مناسب برای افزایش قیمت انرژی
- ۲- افزایش بهره‌وری
- ۳- حمایت‌های اقتصادی
- طراحی سناریوی مناسب برای افزایش قیمت انرژی به عنوان یک ایده مطرح است و هنوز طرحی ارائه نگردیده است. همچنین دولت درصدد است با افزایش بهره‌وری انرژی و کاهش هزینه‌های بخش صنعت و معدن تا حدودی هزینه‌های تولید را کاهش دهد و در مواردی که هزینه‌ها تا حد مطلوب پائین نیایند پیشنهاد حمایت‌های اقتصادی از واحدهای صنعتی ارائه شده است که محورهای کلان آن عبارتند از:

- ۱- تغییر تعرفه‌های واردات
 - ۲- اعطای تسهیلات بانکی خاص
 - ۳- کمک بلاعوض
 - ۴- پرداخت سهم بیمه کارفرما
- اما تاکنون هیچ‌کدام از راهبردهای پیشنهادی به صورت برنامه عملیاتی تعریف نشده‌اند و یا حداقل اطلاعات آن در دسترس نیست.
- بر اساس تحلیلی از وزارت صنایع و معادن

طرح تحول اقتصادی فضای کسب و کار کشور را ارتقاء خواهد داد و نقطه عطفی برای بخش صنعت و معدن کشور خواهد بود. یکی از محورهای طرح تحول، هدفمندسازی یارانه‌ها می‌باشد که آثار آن بر بخش صنعت و معدن عبارتست از:

- ۱- آزاد شدن منابع انرژی برای استفاده در بخش تولید
- ۲- تغییر تقاضای محصولات از جمله:
- ۱-۲- ایجاد تقاضا برای محصولات و خدمات موثر در ارتقاء بهره‌وری انرژی
- ۲- کاهش تقاضای خرید کالاهای پر مصرف و یا کم‌بازده
- ۳- کاهش تقاضای خرید برخی محصولات به دلیل تغییر ترکیب مصرف خانوار
- ۳- افزایش هزینه‌های تولید خصوصاً هزینه‌های حمل و نقل

آسیب‌پذیری بنگاه‌ها

آسیب‌پذیری یک بنگاه باید از دو جهت بررسی شود:

- ۱- افزایش هزینه تولید هر واحد محصول
- ۲- کاهش سود به دلیل کاهش تقاضا

شناسایی رشته‌های صنعتی آسیب‌پذیر

با توجه به نتایج بررسی‌ها، ۴ گروه از صنایع آسیب‌پذیر در حوزه مأموریت وزارت صنایع و معادن عبارتند از:

- ۱- نساجی، ظروف شیشه‌ای و چینی، کاغذ چوب
- ۲- فولاد، مس، آلومینیوم، فروآلیاژ، سرب، روی، ریخته‌گری

در مسیر سراسیمه

نگاهی آینده‌پژوهانه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران

■ مسعود منزوی

نفت خام تا سال ۲۰۱۵ نیز به رقم بسیار ناامیدکننده ۱۴۵۶ دلار می‌رسد. شرکت‌های دولتی ۷۰ درصد ارزش افزوده اقتصاد ایران را تولید می‌کنند که نشان از عدم حضور فعال بخش خصوصی در ایران است که این مسأله رقابت‌پذیری اقتصادی را به شدت کاهش داده است. بخش دولتی با تراکم نیروی ناکارآمد روبه‌رو است و نقش فعالی در کارآفرینی ندارد. هر چند مسئولان کشور در پی خصوصی‌سازی هستند اما فرایند آن نیز بسیار کند بوده و اغلب واگذاری‌ها به مراکز شبه دولتی صورت می‌گیرد.

در سال ۲۰۰۵، نیروی بالقوه کار در ایران (در سن ۱۵-۲۴ سالگی) ۱۶/۴۷ میلیون نفر برآورده شده است که در مقایسه با سال ۱۹۸۶/۹۱ میلیون نفر رشد داشته است و در سال‌های بعد نیز هر سال حدود ۷۵۰ هزار نفر به شمار جویندگان کار افزوده شده است. این امر سبب شده که نرخ بیکاری بر پایه آمار رسمی در سال ۲۰۰۷، ۱۰/۲ درصد باشد یکی دیگر از نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران شهرنشینی نامناسب در ایران است. رشد شهرنشینی در ایران شتابان و بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم صورت گرفته است. در سال ۱۹۷۰، تنها ۴۲ درصد جمعیت ایران شهرنشین بوده‌اند اما در سال ۲۰۰۰ این رقم به ۶۲ درصد افزایش یافته است و این روند در حال حاضر نیز ادامه دارد.

منابع اصلی

Grane, Keith; Rolie Lol, Jeffrey Martini
"Iran's Political, Demographic and Economic Vulnerabilities, Rand Corporation, 2008.
"The Iran Business Forecast Report",
Business Monitor International, 2009.

درصد ذخایر گازی جهان برخوردار است اما به دلیل عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب و استفاده از فناوری‌های سطح پایین در استخراج و استحصال نفت و گاز سبب شده است که در چند سال آینده حفظ سطح تولیدی کنونی نیز ممکن نباشد تا جایی که برخی کارشناسان معتقدند که در صورت ادامه روند کنونی در تولید نفت و مصرف داخلی آن در پنج سال آینده، ایران به واردکننده نفت تبدیل می‌شود. درآمدهای نفتی ۸۵ درصد درآمدهای صادراتی ایران را در سال ۲۰۰۶ و ۷۰ درصد درآمدها را در سال ۲۰۰۷ تشکیل می‌داد که از دست رفتن این درآمد اقتصاد ایران را فلج می‌کند.

بخش نفت و گاز ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را شکل می‌دهد اما در واقع، اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد و هر گونه افت و خیز در بهای نفت و گاز، اثرات عمده‌ای بر اقتصاد ایران وارد می‌سازند و حتی می‌توان گفت با کاهش یک دلار از درآمدهای نفتی چندین دلار از تولید ناخالص ملی کاسته می‌شود. از سوی دیگر میزان قابل توجه یارانه‌های حامل‌های انرژی و بنزین، فشار خردکنندگی بر اقتصاد ایران وارد ساخته است.

این در حالی است که درآمد سرانه در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای صادرکننده بسیار پایین است که نشان‌دهنده بهره‌وری پایین اقتصادی است. به عنوان مثال درآمد سرانه کشورهای کویت، قطر و امارات در سال ۲۰۰۶، ۱۶ برابر درآمد سرانه در ایران بود که حتی اگر جمعیت بالای ایران را نیز در نظر بگیریم باز هم رقم مطلوبی نیست. به گزارش بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۰۵ از نظر درآمد سرانه در بین ۲۰۸ کشور، در رتبه ۱۰۷ قرار گرفت و درآمد سرانه ایران از فروش

یکی از کلیدی‌ترین فعالیت‌ها برای ترسیم و برپایی آینده مطلوب، شناسایی وضع موجود است. بنابراین در گام نخست برای حرکت در مسیر شکل بخشیدن به چشم‌اندازهای الهام‌بخش اقتصادی ایران، باید وضع موجود را به درستی درک کرده و با عنایت به آن مسیر حرکت آینده را مشخص ساخت.

اقتصاد ایران، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را با اقتصادهای دیگر کشورهای جهان متمایز می‌سازد. یکی از این وجوه تمایز در آسیب‌پذیری‌هایی است که به شدت بر عرصه اقتصادی کشور سایه افکنده‌اند. آینده‌پژوهان و اقتصاددانان بر این باور اتفاق نظر دارند که ایجاد تغییر اساسی در وضعیت اقتصادی ایران نیازمند توجه ویژه به آسیب‌ها و چاره‌اندیشی و ارایه راه‌حل‌های اثربخش و خلاقانه

برای برون‌رفت از این چالش‌ها است. عدم توجه به این واقعیت که اقتصاد ایران از نقاط آسیب‌پذیر بسیاری برخوردار است، پیامدهای ناگواری به همراه داشته و تحقق چشم‌اندازهای ملی و بخشی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. وابستگی بسیار شدید به درآمدهای بخش نفت و گاز، شمار بالای بیکاران به‌ویژه در سنین ۱۹ تا ۳۰ سال، تورم غیرقابل مهار دو رقمی، توزیع نه چندان مطلوب درآمدها و اقتصاد دولتی ناکارآمد، از جمله مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ایران به‌شمار می‌آیند. ایران از ۱۰/۳ درصد ذخایر نفت و ۱۵/۸

به گزارش بانک جهانی،
ایران در سال ۲۰۰۵ از
نظر درآمد سرانه در
بین ۲۰۸ کشور، در رتبه
۱۰۷ قرار گرفت و درآمد
سرانه ایران از فروش
نفت تا سال ۲۰۱۵ نیز
به رقم بسیار ناامیدکننده
۱۴۵۶ دلار می‌رسد.



در زیر چتر حمایتی قانون کار چه می‌گذرد؟

چالش‌های نیروی کار در ایران

■ عبدالرحیم پدرام

یک کارگر نیاز به تأیید اداره کار دارد. هزینه‌های به‌کارگیری و اخراج افراد خود یک مانع محسوب می‌شوند و مجموع پرداخت‌های تأمین اجتماعی و مالیات حقوق بگیران به‌عنوان درصد حقوق کارگر در مقایسه با معیارهای بین‌المللی بالا است. براساس گزارش کسب و کار ۲۰۰۹ بانک جهانی، در حال حاضر هزینه‌های اخراج معادل دستمزد ۹۱ هفته است.

در حوزه‌ی سختی شاخص اشتغال که برگرفته از متوسط سه شاخص فرعی است: سختی شاخص به‌کارگیری، سختی شاخص ساعات‌های کار و سختی شاخص اخراج، ایران نمره‌ای به نسبت بالا یعنی ۴۰ از ۱۰۰ گرفته‌است. در مجموع، اصلاحات اقتصادی بر محل کار اثر می‌گذارد. در سال‌های اخیر، چتر حمایتی قانون کار از کارگاه‌هایی با کمتر از ده نیرو و صنعت فرش ایران برداشته شده است تا شرکت‌ها رقابتی‌تر باشند.

شده است. رشد اقتصادی کشور همگام با افزایش شمار نیروهای تازه وارد به بازار کار، به‌طور متوسط ۷۵۰۰۰ نفر در سال، پیش نمی‌رود و اشتغال‌زایی در ایران یک چالش کلیدی است. بانک جهانی به پدیده‌ی جهش مشارکت زنان در نیروی کار ایران که در پنج سال اخیر از ۳۳ درصد به ۴۱ درصد، به‌عنوان گامی مثبت می‌نگرد.

دولت با دشواری جدی اصلاح قانون به شدت پیچیده کار ایران روبه‌رو است که هم‌چنان یک مشکل برجسته در هدایت کسب و کارهای کشور است. در بعضی موارد، قوانین کار به نفع مراکز کسب و کار هستند. بازار کار تحت مقررات محدودکننده‌ای که مانعی فراروی اشتغال و رشد بهره‌وری و تولید است، فعالیت می‌کند. هزینه‌ی به‌کارگیری نیرو بالا است و اخراج نیروی مازاد هزینه‌بر است. از این گذشته، مقررات افزایش یا کاهش ساعات کار بسیار سخت و اعطاف‌ناپذیر است. اخراج

اگرچه دولت بر روی بهبود شماری از مناطق محیط کسب و کار - از جمله قابل توجه‌ترین آن‌ها می‌توان به زیرساخت‌های فیزیکی، قوانین مالیاتی و سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد - کار می‌کند اما شماری از چالش‌های کسب‌وکار در ایران باقی مانده‌اند. در واقع، هنوز هم فساد رایج و متداول است و قانون کار هم‌چنان پیچیده و دارای چالش است.

تخمین زده می‌شود شمار نیروی کار ایران ۲۶/۲ میلیون نفر از مجموع ۷۰ میلیون نفر جمعیت این کشور باشد. تخمین زده می‌شود که ۱۵ درصد جمعیت فعال ایران بیکار باشد. حدود ۳۰ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی، ۲۵ درصد در صنعت و ۴۵ درصد در بخش خدمات فعالیت می‌کنند. در سال‌های اخیر به‌دلیل وجود درآمد پایدار نفت و گاز که خود ناشی از قیمت‌های بالای نفت است اقتصاد ایران گسترش یافته و منجر به رشد اشتغال

سرمایه‌گذاری در تلفن همراه ایران

براساس گزارش تردی اربیا چند شرکت خارجی از عربستان سعودی، فرانسه، اندونزی، روسیه و هم‌چنین شرکت ام‌تی‌ان آفریقای جنوبی تمایل خود را برای سرمایه‌گذاری در بازار تلفن همراه در ایران ابراز داشته‌اند. به احتمال فراوان این تحول موجب سرمایه‌گذاری عظیمی در

این بخش می‌شود و انتظار می‌رود در سال‌های آتی به سرعت گسترش یابد. شمار مشترکان تلفن همراه در ایران در سال ۲۰۰۸ به ۴۵/۸ میلیون رسید و تا سال ۲۰۱۲ با افزایش ۱۳۲ درصدی به ۱۰۶/۵ میلیون خواهد رسید.

پیش‌بینی می‌شود در طی این دوره، ضریب نفوذ از ۶۳/۴ درصد به ۱۳۹/۷ درصد برسد. افزون بر این، ایران در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری مناقصه مجوز سوم جی‌اس‌ام است که در حال حاضر تنها شرکت ارتباطات راه دور و رقیب کوچک‌تر آن ایرانسل این مجوزها را در اختیار دارند.

منبع: موسسه بین‌المللی پایش کسب‌وکار

هدف: تجارت ۲۰ میلیارد دلاری بین ترکیه و ایران

ایران و ترکیه توافق خود بر سر تقویت روابط موجود در حوزه‌های انرژی، بانکداری و حمل‌ونقل جهت رساندن سطح مبادلات تجاری خود به سطح ۲۰ میلیارد دلار در سال‌های آینده را اعلام داشتند. محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس‌جمهور ایران در جریان کنفرانس خبری مشترک با طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه چنین گفت: «دو کشور به‌طور جدی مصمم به گسترش روابط دو جانبه‌ی خود در تمام حوزه‌ها هستند». اردوغان از طرح‌های ترکیه جهت افزایش حجم تجارت بین دو کشور تا سطح ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ سخن گفت و از طرح ایران برای رساندن حجم مبادلات تجاری دو کشور به سطح سی میلیارد دلار، در نهایت، استقبال کرد. تانریلدیز وزیر انرژی ترکیه در هفته‌ی گذشته حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۰۸ را ۷ میلیارد اعلام کرد. رحیمی از توافقاتی دو جانبه موجود از جمله ساخت دو نیروگاه، ایجاد منطقه‌ی آزاد صنعتی در دو سوی مرز دو کشور و تأسیس شعب بانک‌های ایران و ترکیه در هر دو کشور خبر داد. او هم‌چنین از توافقاتی صورت گرفته بر سر صادرات گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه و سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در میدان گازی پارس جنوبی و دریای خزر سخن گفت اما جزئیات بیش‌تری را اعلام نکرد.

منبع: پایگاه اخبار اقتصادی بالکان

روسیه، ایران و قطر تنها صادرکنندگان آتی گاز

بر پایه اظهارات «الکساندر مدویدف» معاون مدیرعامل «گازپروم» تا سال ۲۰۳۰ روسیه، ایران و قطر تنها صادرکنندگان گاز در جهان خواهند بود. به گزارش «ریا نووستی» از شبکه خبری «وستی»، الکساندر مدویدف معتقد است که باقی کشور‌های عرضه‌کننده پس از سال ۲۰۳۰ نمی‌توانند گاز لازم برای پر کردن شبکه‌های انتقال گازی که ساخت آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود را تأمین کنند. افزون بر این، وی با اطمینان گفت که در آینده نه‌چندان دور مصرف‌کنندگان اروپایی نیاز به گاز بیشتری خواهند داشت که این نمی‌تواند عرضه گاز مایع را پوشش دهد. افزایش تقاضا، نیازمند توسعه در آینده و تحقق پروژه‌های انتقال گاز، را انکارناپذیر می‌سازد.

منبع: ریانووستی



سبقت بخش دولتی بر بخش خصوصی

پیش‌بینی ده‌ساله اقتصاد ایران

■ ترجمه: عبدالرحیم پدرام

رشد صادرات غیرنفتی و رشد نیرومند واردات غیرسرمایه‌ای از شرق دور در تضعیف مزاد تجاری ایران سهم خواهند داشت. نقطه‌ی مثبت وضعیت اقتصادی ایران کاهش تورم است که در ده سال آینده به دلیل کاهش بهای جهانی غذا و اثرات آن به ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت.

براساس چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، تا سال ۱۴۰۴ می‌بایست ۳/۷ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری در کشور صورت گیرد که ۱/۳ تریلیون دلار آن باید به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بیست سال آینده باشد، رقمی که با توجه به تحریم‌های اقتصادی کنونی غیرمحتمل به نظر می‌رسد و این واقعیت را باید در نظر گرفت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته در سال ۲۰۰۶ معادل ۳/۴۷ میلیارد دلار بوده است. این سند شماری از اهداف جاه‌طلبانه‌ی بخش انرژی را مطرح می‌سازد تا ایران هم‌چنان دومین تولیدکننده‌ی نفت سازمان اپک و دومین تولیدکننده‌ی گاز جهان باقی بماند. در حالی که با اطمینان می‌توان گفت ایران دارای ذخایر دستیابی به این دو هدف است ولی فاقد تجهیزات و فناوری مدرن است، که موضوعی کلیدی در هنگام اجرای تحریم‌های اقتصادی است. محمداقبر نوبخت معاون مرکز مطالعات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام بر این امر تأکید کرده که ایران نیاز به ۱۷۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در منابع نفت، گاز و پتروشیمی و هم‌چنین پروژه‌های نگهداری، پالایش و توزیع انرژی تا سال ۲۰۱۵ دارد تا بتواند به اهداف فوق‌جامه‌ی عمل بپوشاند.

منبع: موسسه جهانی پایش کسب و کار

تولید ناخالص داخلی واقعی در پنج سال آینده ۴/۴ درصد و بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ به ۳/۴ درصد برسد. در حالی که پیش‌ران اصلی این کاهش، بخش نفت خواهد بود که در ده سال آینده تنها ۷/۹ درصد افزایش خواهد یافت، تحریم‌های بین‌المللی هم‌چنان بر اقتصاد ایران سایه خواهند افکند و بخش انرژی شاهد کمبود سرمایه‌گذاری خارجی و واردات سرمایه خواهد بود. انتظار می‌رود که در طی ده سال آینده شکل‌گیری سرمایه‌ی ثابت در هر دو بخش خصوصی و دولتی کاهش یابد، اگرچه بخش دولتی بر بخش خصوصی پیشی خواهد گرفت، زیرا اقتصاد ایران به‌طور فزاینده‌ای به دولت وابسته است.

تحریم‌های خارجی به دیگر عرصه‌های اقتصاد، به‌ویژه بخش خارجی، گسترش خواهند یافت و مزاد بودجه جاری ایران به میزان زیادی در طی ده سال آتی کاهش یافته و در سال ۱۳۹۷ تنها به ۱/۱ درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید. این مساله تا حد زیادی ناشی از افت بخش نفت است - صادرات نفت و گاز ایران از ۱۰/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ به ۹/۸۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ خواهد رسید - اگرچه کاهش

پیش‌بینی‌های اقتصادی مبتنی بر عوامل مختلف کمی و کیفی است. فرض این پیش‌بینی‌ها آن است که در بیشتر موارد رشد اقتصادی سرانجام تبدیل به یک روند بلندمدت می‌شود و توان بالقوه‌ی اقتصادی توسط عواملی هم‌چون سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای، جمعیت‌شناسی و رشد تولید و بهره‌وری تعیین می‌شود. به دلیل آن که چارچوب‌های کمی اغلب در درک پویایی عوامل تعیین‌کننده‌ی رشد بلندمدت ناتوان هستند، پیش‌بینی‌ها، عمق دانش تحلیل‌گران در مورد عوامل ذهنی هم‌چون قدرت نهادی و ثبات سیاسی را منعکس می‌سازند. این نوشتار به ارزیابی روندها در ترکیب اقتصاد ایران به‌منظور تعیین میزان بودجه دولت و بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری ثابت و بخش صادرات جهت هدایت رشد اقتصادی در آینده خواهیم پرداخت.

در حالی که انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در طی ده سال آینده بیش از سه درصد باشد، کاهش رشد تولید نفت، کاهش بلندمدت بهای نفت و تحریم‌های بین‌المللی بر رشد و گسترش اقتصادی ایران فشار خواهند آورد. در واقع، انتظار می‌رود که متوسط رشد



۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۱۲۳۵/۶۴	۱۱۰۷/۳۲	۹۹۲/۰۸	۸۸۸/۷۷	۷۸۳/۵۶	۶۸۰/۳۳	۵۹۲/۷۲	۵۱۴/۲۲	تولید ناخالص داخلی اسمی (میلیارد دلار) ^۱
۳/۱	۳/۲	۳/۳	۳/۵	۳/۶	۳/۶	۳/۵	۴/۴	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (درصد تغییر سالانه) ^۱
۸۲/۳۳	۸۱/۳۳	۸۰/۳۵	۷۹/۳۹	۷۸/۳۲	۷۷/۲۷	۷۶/۲۳	۷۵/۲۱	جمعیت (میلیون نفر) ^۲
۱۵۰۰۹	۱۳۶۱۴	۱۲۳۴۶	۱۱۱۹۶	۱۰۰۰۴	۸۸۰۵	۷۷۷۵	۶۸۳۷	سرانه تولید ناخالص داخلی (دلار) ^۱
۱۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۱۲/۰	۱۴/۰	۱۴/۰	۱۵/۰	۱۶/۰	متوسط رشد قیمت‌های مصرف‌کننده (درصد سال) ^۳
۱/۱۳	۱/۴۶	۱/۸۵	۲/۵۲	۲/۸۹	۳/۲۴	۳/۸۴	۴/۳۶	بودجه جاری (درصد تولید ناخالص داخلی) ^۱
۱۱۴۵۲/۷۲	۱۱۳۳۹/۳۳	۱۱۲۲۷/۰۶	۱۱۱۱۵/۹۰	۱۱۰۰۵/۸۴	۱۰۸۹۶/۸۷	۱۰۷۸۳/۶۷	۱۰۶۶۶/۳۴	متوسط نرخ ارز (ریال در مقابل دلار) ^۲

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- پیش‌بینی در پایان سال
- ۲- بانک مرکزی ایران / محاسبات بیزینس مانیاتور
- ۳- صندوق بین‌المللی پول
- ۴- محاسبات بیزینس مانیاتور
- ۵- بانک مرکزی ایران

پیش به سوی انرژی‌های نوشونده

پیش‌بینی افزایش تقاضای انرژی در جهان
تا سال ۲۰۳۰

تونی هیوارد مدیرعامل شرکت نفتی بریتیش پترولیوم انگلیس در جریان بیست و چهارمین کنفرانس بین‌المللی گاز که در کشور آرژانتین برگزار شد، از رشد بیش از ۴۵ درصدی تقاضای انرژی جهان تا سال ۲۰۳۰ خبر داد. وی با اعلام این خبر هشدار داد: به دلیل این افزایش چشمگیر تقاضا ما باید در محاسبات خود از میزان تولید کشورها و سایر مسایل مرتبط با آن دقت زیادی به کار ببریم. هیوارد در ادامه افزود: «برای تامین تقاضای انرژی جهان تا سال ۲۰۳۰ ما نیازمند سالانه یک هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری هستیم.» وی مجموع سرمایه‌گذاری مورد نیاز در صنایع نفت و گاز تا سال ۲۰۳۰ را حدود ۲۵ هزار میلیارد دلار اعلام کرد. مدیر شرکت بی‌پی با اشاره به کاهش ظرفیت تولید چاه‌های نفت طی سال‌های آینده و افزایش تقاضا در این مدت گفت: «با توجه به این شرایط ما باید تا سال ۲۰۳۰ روزانه حدود ۵۰ میلیون بشکه به تولید نفت خام جهان اضافه کنیم. این رقم تقریباً دو برابر میزان تولید کنونی خاورمیانه است.» وی در بخشی از سخنان خود درباره تامین قسمتی از انرژی مورد نیاز جهان از طریق انرژی‌های نوشونده گفت: «بی‌شک این انرژی‌ها نقش مهمی در آینده انرژی جهان ایفا خواهند کرد. با این حال، استفاده گسترده از این منابع انرژی در کوتاه مدت امکان‌پذیر نخواهد بود.» مدیر بی‌پی افزود: «تا سال ۲۰۳۰ نفت و گاز همچنان ۸۰ درصد انرژی مورد نیاز جهان را تامین خواهند کرد.» او که در کنفرانس بین‌المللی گاز سخن می‌گفت، گاز طبیعی را سوختی معرفی کرد که علاوه بر تأثیر بر کاهش گازهای گلخانه‌ای، از ذخایر بالایی نیز برخوردار است. براساس ارزیابی‌های شرکت بی‌پی، حجم ذخایر اثبات شده گاز جهان در پایان سال ۲۰۰۸ حدود ۶۵۰۰ تریلیون فوت مکعب (معادل ۱/۲ هزار میلیارد بشکه نفت خام) بوده که برای مصرف ۶۰ سال جهان کفایت می‌کند. شرکت بی‌پی در گزارشی جداگانه اعلام کرد: «با در نظر گرفتن میزان مصرف کنونی گاز جهان، میزان ذخایر اثبات شده گاز برای ۱۰۰ سال کافی است.» به گفته کارشناسان، هنوز ذخایر ناشناخته‌ای وجود دارد که با کشف و استخراج گاز آنها، مدت زمان مصرف گاز در جهان باز هم افزایش خواهد یافت.

منبع: رویترز

همچنان کاهش بهای خانه در دبی

در یک گزارش تحقیقی چنین نوشتند: "در حالی که علایم حیات در بازار املاک و مستغلات افزایش یافته است ولی مخاطره اصلی عرضه‌ی تازه است که مانع از هر گونه بهبود معنادار این بازار در کوتاه‌مدت می‌شود." آن‌ها در ادامه گزارش چنین نوشته‌اند: حدود تولید ۳۰ هزار واحد مسکونی جدید تا پایان سال آینده به بازار دبی ضربه می‌زند و بهای خانه باز هم کاهش می‌یابد.

منبع: عرب نیوز

بانک دویچه گزارش داد که بهای املاک و مستغلات دبی در شش ماه گذشته چهار درصد کاهش یافته است و به دلیل عرضه مسکن در آینده، این امر در کوتاه‌مدت بهبود نخواهد یافت و متوقف نخواهد شد. بهای املاک و اجاره‌ها در ماه گذشته ثابت بود که نشان‌دهنده‌ی ثبات بازار است، اما قیمت‌ها همچنان نسبت به دوران اوج آن‌ها ۵۲ درصد کاهش یافته است.

نبیل احمد و عثمان بنزروگ دو تحلیل‌گر عرب

پشتتازی چین و هند

قدرت‌های اقتصادی جهان در آینده کدام کشورها خواهند بود؟

قدرت‌های اقتصادی آسیا، چین و هند، در حال احیای جایگاه خود در دو قرن گذشته هستند یعنی هنگامی که چین تقریباً ۳۰ درصد و هند ۱۵ درصد ثروت جهانی را تولید کردند. چین و هند برای نخستین بار از قرن هجدهم تاکنون تبدیل به بزرگ‌ترین عوامل رشد اقتصادی جهان خواهند شد. این دو کشور به احتمال فراوان تا سال ۲۰۲۵ از تولید ناخالص داخلی تمام اقتصادهای دیگر به استثنای آمریکا و ژاپن پیش خواهند افتاد، اما درآمد سرانه‌ی آن‌ها برای مدت چند دهه هم‌چنان عقب خواهد بود. جهان در حدود سال ۲۰۲۵ شاهد "هویت دوگانه" این غول‌های آسیایی خواهد بود: نیرومند، اما بسیاری از اتباع چین یا هند در مقایسه با اتباع غربی، خود را نسبتاً فقیر فرض می‌کنند.

برآورد رشد اقتصادی کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین در مجموع معادل سهم اولیه تولید ناخالص گروه هفت از تولید ناخالص جهانی تا سال‌های ۲۰۵۰-۲۰۴۰ خواهد بود. براساس همین برآوردها، هشت کشور بزرگ اقتصادی در سال ۲۰۲۵ به این ترتیب خواهند بود: آمریکا، چین، هند، ژاپن، آلمان، انگلستان، فرانسه و روسیه.

به ویژه چین به‌عنوان یک قدرت عظیم مالی جدید ظاهر شده است و در سال ۲۰۰۸ حجم ذخایر ارزی آن به ۲ تریلیون دلار رسید. کشورهایی هم‌چون چین و روسیه که به‌سرعت توسعه می‌یابند صندوق‌های سرمایه‌ی مستقلی با هدف بهره‌گیری از صدها میلیارد دلار ثروت آن‌ها به منظور دستیابی به درآمد بالاتر جهت کمک به مقابله با طوفان‌های اقتصادی تشکیل داده‌اند. سرمایه‌ی بعضی از این صندوق‌ها به‌صورت سرمایه‌گذاری به غرب باز خواهند گشت و در نتیجه موجب ارتقای بهره‌وری و رقابت اقتصادی بیش‌تر خواهد شد. به هر حال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قدرت‌های نوپدید در جهان در حال توسعه به میزان زیادی افزایش می‌یابد.

نسل شرکت‌های رقیب جهانی از قدرت‌های جدید ظهور می‌کند و به تثبیت بیش‌تر آن‌ها در بازار جهانی کمک می‌کند؛ در برزیل کسب و کار کشاورزی و اکتشاف انرژی در ساحل، در روسیه صنایع انرژی و فلزات، در هند خدمات فناوری اطلاعات، پزشکی و قطعات خودرو و در چین فولاد، لوازم خانگی و تجهیزات ارتباط راه دور رونق خواهند داشت. از میان صد شرکت جدید برتر جهانی خارج از دنیای توسعه‌یافته که در گزارش ۲۰۰۶ گروه مشاوره بوستون ذکر شده، ۸۴ شرکت در برزیل، روسیه، چین و هند مستقرند.

منبع: شورای ملی اطلاعات ایالات متحده

رشد عرب‌های همسایه

صندوق بین‌المللی پول افزایش رشد اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس در سال ۲۰۱۰ را پیش‌بینی کرد

بینی شده است. این ارقام برای صادرکنندگان نفت خام منطقه به ترتیب ۷ و ۶/۳ درصد خواهد بود. بیشترین و کمترین نرخ تورم در سال آینده مربوط به ایران (۱۰ درصد) و کویت (۴/۴ درصد) خواهد بود. صندوق بین‌المللی پول در گزارشی جداگانه اعلام کرد: میزان ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده نفت خام در منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) طی سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. به گفته‌ی این نهاد بین‌المللی، افزایش ذخایر ارزی که بر اثر افزایش بهای نفت خام رخ خواهد داد، به دولت‌های این منطقه کمک خواهد کرد که با افزایش هزینه‌های عمومی تأثیر پیامدهای منفی بحران بر اقتصاد خود را کاهش دهند. به گفته‌ی کارشناسان، در صورتی که پیش‌بینی بهای نفت سه رقمی محقق شود، میزان ذخایر ارزی این کشورها بیش از پیش افزایش خواهد یافت. افزایش رشد اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس در حالی آرایه می‌شود که کارشناسان از ادامه روند صعودی تقاضای انرژی جهان خبر داده‌اند.

منبع: بلومبرگ

رشد اقتصادی کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۰ به حدود ۵/۲ درصد خواهد رسید. صندوق بین‌المللی پول دلیل این پیش‌بینی خود را افزایش بهای نفت و ثبات مالی این کشورها اعلام کرده است.

براساس اعلام صندوق، طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ رشد اقتصادی منطقه خاورمیانه به ترتیب ۲ و ۴/۲ درصد خواهد بود. همچنین رشد اقتصادی صادرکنندگان نفت خام منطقه خلیج فارس نیز به ۱/۳ و ۴/۲ درصد خواهد رسید. طی سال ۲۰۰۹ بالاترین نرخ رشد این منطقه با ۱/۵ درصد متعلق به ایران خواهد بود. پایین‌ترین رقم رشد نیز با منفی ۱/۵ درصد مربوط به کویت خواهد بود. این وضعیت در سال ۲۰۱۰ تغییر خواهد یافت. به پیش‌بینی صندوق بالاترین و پایین‌ترین نرخ رشد اقتصادی منطقه خلیج فارس در سال آینده به ترتیب مربوط به عربستان (۴ درصد) و ایران (۲/۲ درصد) خواهد بود. بهای نفت خام از ۳۲/۴ دلار در پایان دسامبر ۲۰۰۸ به سطح ۷۰ دلار در هر بشکه افزایش یافته است. صندوق، نرخ رشد ۵/۲ درصدی شش کشور عرب منطقه خلیج فارس را براساس میانگین بهای ۷۶/۵ دلاری نفت خام پیش‌بینی کرده است. در همین حال نرخ رشد کشورهای منطقه خلیج فارس در سال جاری میلادی به ۰/۷ درصد خواهد رسید. به گفته صندوق، این کشورها زودتر از سایرین بحران اقتصادی جهان را پشت سر خواهند گذاشت. در بخشی از گزارش چشم انداز اقتصادی جهان، میزان نرخ تورم منطقه خاورمیانه در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ترتیب معادل ۸/۳ و ۶/۶ درصد پیش



عبور از بحران

پیش‌بینی‌های اقتصادی از جهان در سال ۲۰۲۵

است برای رژیم‌های استبدادی با عملکرد و کارایی پایین جذاب باشد و علاوه بر این برای دموکراسی‌های ضعیفی که در طی سال‌ها از عدم کارایی مناسب اقتصادی رنج برده‌اند نیز جذابیت داشته باشد.

به حاشیه رانده شدن نهادهای مالی بین‌المللی.

صندوق‌های سرمایه‌ی مستقل بیش از ترکیب صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به بازارهای نوظهور سرمایه تزریق کرده‌اند و این روند حتی با رفع عدم توازن‌های جهانی ادامه خواهد یافت. چین پیش از این شروع به ترکیب سرمایه‌گذاری‌های صندوق سرمایه‌ی مستقل با کمک مستقیم و خارجی کرده که اغلب به‌طور مستقیم فراتر از سهم بانک جهانی در پروژه‌های توسعه است. سرمایه‌گذاری خارجی کشورهایی که به تازگی ثروتمند شده‌اند، هم‌چون چین، روسیه و کشورهای خلیج فارس، منجر به اتحادهای دیپلماتیک و روابط جدید بین این کشورها و دنیای در حال توسعه خواهند شد.

کاهش نقش بین‌المللی دلار. با وجود تقویت دلار و افزایش بهای آن، ارزش آن در سال ۲۰۲۵ به‌عنوان یک پول رایج و بی‌نظیر ذخایر ارزی جهان کاهش خواهد یافت و در سید بازار پول‌های رایج تبدیل به پول نخست و معمولی خواهد شد. این امر ممکن است آمریکا را وادار به دقیق‌تر نگرستن به نحوه اثرگذاری سیاست خارجی آن بر دلار کند. ممکن است اقدامات سیاست خارجی آمریکا بدون وجود یک منبع پایدار تقاضای خارجی برای دلار منجر به شوک ارزی و نرخ‌های بهره‌ی بالاتر برای آمریکایی‌ها شود.

رشد استفاده از یورو پیش از این آشکار شده و به‌طور بالقوه فضای حرکت آمریکا در آینده جهت بهره‌برداری از نقش منحصر بفرد دلار در تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی جهت توقف سرمایه‌ها و ایجاد اختلال در جریان‌های مالی برخی کشورها که به تازگی با تحریم‌های مالی علیه رهبری کره شمالی و ایران انجام گرفته، دشوارتر می‌شود. با توجه به عدم قطعیت‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در نظام بین‌المللی مالی محرک‌ها و تمایل به جدا شدن از دلار تعدیل خواهد شد.

منبع: شورای ملی اطلاعات آمریکا

مداوم خواهند بود. روسیه، چین و هند امنیت ملی خود را به افزایش کنترل دولتی و دسترسی به منابع و بازارهای انرژی از طریق شرکت‌های دولتی انرژی پیوند زده‌اند. کشورهای خلیج فارس نیز به اجاره و خرید زمین در نقاط دیگر جهت کسب اطمینان از تأمین منابع غذایی کافی علاقمند هستند.

آهسته‌شدن فرایند دموکراتیک‌سازی. به‌خصوص چین یک مدل بدیل برای توسعه‌ی سیاسی علاوه بر مسیر متفاوت اقتصادی خود ارایه می‌کند. این مدل ممکن



عدم پذیرش افزایش نقدینگی موجود توسط بازارهای نوظهور با وجود اقتصادهای رو به پیشرفت و جهش آن‌ها همراه با تمایل و گرایش آمریکا به افزایش بدهی خود، با وجود پدید آوردن ناپایدار عدم توازن، موجب حمایت متقابل شده است.

در واقع رویدادهای بازار بورس وال استریت در سال ۲۰۰۸ فصل آغازین داستان بزرگ‌تر برقراری مجدد توازن و تصحیح این عدم توازن‌ها است. مسیر تصحیح این عدم توازن‌ها ناهموار خواهد بود تا بتوان اقتصاد جهانی را به سمت مرزبندی جدید کشاند. مشکلات هماهنگ‌سازی سیاست اقتصادی جهان که خود محصول فرعی افزایش سطح چندقطبی بودن سیاسی و مالی موجود است موجب افزایش فرصت‌های یک حرکت ناهموار می‌شود.

یکی از تحولات زیر یا ترکیب آن‌ها موجب تعدیل و تنظیم شرایط می‌شود: کاهش مصرف آمریکا و افزایش نرخ پس‌انداز در این کشور و افزایش تقاضا از بازارهای نوظهور آسیا به‌خصوص چین و هند. ثبات یافتن یا بازگشت عدم توازن‌ها تا سال ۲۰۲۵ تا حدی به درس‌های خاصی که قدرت‌های نوظهور از این بحران مالی می‌گیرند بستگی خواهد داشت. ممکن است بعضی افراد این بحران را به‌عنوان منطق پس‌انداز داخلی تعبیر کنند در حالی که

دیگران، درک بحران به این شکل که اقتصادهای نوظهور در مقابل رکود گسترده ایمن هستند، برای اندوختن ذخایر خود اولویت کم‌تری قابل شوند.

حمایت بیشتر از تجارت و سرمایه‌گذاری. افزایش جذب سرمایه‌های خارجی توسط شرکت‌های مستقر در اقتصادهایی که به سرعت ظاهر می‌شوند و بسیاری از آن‌ها

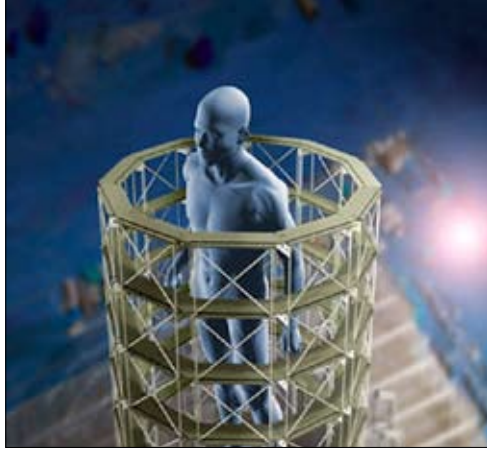
دولتی خواهند بود، موجب افزایش تنش‌های سیاسی و به‌طور بالقوه خلق نارضایتی عمومی در کشورها نسبت به تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی خواهند شد. رسیدن به دیدگاه وجود منافع نابرابر در فرایند جهانی شدن در آمریکا ممکن است منجر به تقویت نیروهای حمایت‌گر شود.

تشدید چنگ افکندن بر منابع. قدرت‌های جدید به‌طور فزاینده‌ای دارای ابزار اکتساب کالاهای مورد نیاز در تلاش جهت اطمینان از وجود توسعه‌ی

پیش‌بینی بخش خرده‌فروشی خاورمیانه تا سال ۲۰۱۳

در سال ۲۰۰۳، صنعت خرده‌فروشی خاورمیانه دارای ارزشی معادل ۲۰۰ میلیارد دلار بود و در پایان سال ۲۰۰۸ این رقم به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا رسید. پیش‌بینی می‌شود که بحران مالی سال کنونی تأثیر حاشیه‌ای بر بازار خرده‌فروشی خاورمیانه خواهد داشت و این بخش در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۹ شاهد رشدی معادل ۱۴ درصد خواهد بود. بنیان‌های اقتصادی نیرومند و نظام بانکی به‌خوبی محافظت شده هم‌چون سپری در مقابل بحران مالی عمل خواهند کرد. اگر چه کاهش قیمت‌های نفت موجب نگرانی اکثر کشورهای صادرکننده نفت خواهد شد اما این مسأله کوتاه‌مدت است و بهبود شرایط اقتصادی و افزایش مصرف سوخت موجب افزایش قیمت نفت خواهد شد. "پیش‌بینی‌ها از بخش خرده‌فروشی خاورمیانه"، بازارهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی را به‌عنوان پویاترین و بالقوه‌ترین بازارهای خرده‌فروشی منطقه تا سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهند. این دو بازار به مدت بیش از یک دهه بر صنعت خرده‌فروشی منطقه سلطه داشته‌اند و در سال‌های آتی نیز چنین خواهد بود. حضور حجم عظیم جمعیت مهاجر و بخش اعظم سرمایه‌گذاری خرده‌فروشی منطقه در این دو کشور به تداوم رشد آن‌ها کمک کرده است.

منبع: نشریه‌ای کامرس



پیش به سوی آبر انسان

ترکیب جان داران و ماشین‌ها در راه است

ترکیبی و شناسایی عرصه‌های نوین برای آن‌ها از یک سو با نفوذ این فناوری‌ها در حوزه‌های گوناگون رو به رو هستیم، و از سوی دیگر شاهد تکامل خود این فناوری‌ها خواهیم بود. با نگاهی عمیق‌تر در می‌یابیم فناوری‌های ترکیبی به عنوان یک کاتالیزور یا عامل تسهیل کننده مسیر میانبری را در اختیار مخترعان و پژوهشگران می‌گذارند و آن‌ها را قادر به انجام فعالیت‌هایی می‌سازند که پیش از این دشوار یا حتی غیرممکن به نظر می‌رسید. دانش‌های میان چند رشته‌ای بخش نظری این فناوری‌ها را تکمیل می‌کنند، اما فناوری‌های ترکیبی جامه‌ی عمل را به تن این دانش و علوم می‌پوشانند. موفقیت پروژه‌های ابتدایی نظیر آنچه که توسط لعل و همکاران او در جریان است، می‌تواند این امید را زنده کند که در آینده‌ای نه چندان دور شاهد به کارگیری شکل جدیدی از آن در بدن انسان خواهیم بود. پیدایش فناوری‌های میانجی انسان-ماشین که پیش از این در حوزه‌هایی مانند روباتیک یا هوش مصنوعی مطرح بوده، در واقع گام‌های اولیه برای رسیدن به چنین جایگاهی است. بدون شک ترکیب راهبردی "بافت-تراشه" یا "انسان-ماشین" در آینده به رهبریتی مهم در ساختن محصولات و مصنوعات منحصر به فرد مبدل خواهد شد. در آن هنگام دیگر انسان یا ماشین خواندن محصول نهایی کار دشواری خواهد بود.

آنچه که امروزه اندامواره یا سایبرگ (Cyborg) نامیده می‌شود، مقدمه و درآمدی است برای رسیدن به این هدف. گسترش و تکامل سایبرگ‌ها و تدوین سامانه‌های یکپارچه‌ای که این اندامواره‌ها در آنها قادر به ایفای نقش‌های حیاتی خود باشند، این رویای دیرینه را محقق خواهد ساخت. تداوم این روند در نهایت می‌تواند آفرینش "ابر انسان" و ایجاد نسلی از بشر را در پی خواهد داشت که نه تنها ضعف‌ها و ناتوانی‌های نسل‌های پیشین خود را ندارد، بلکه از توانمندی‌های جدیدی برخوردار شده و در نوع خود شاهکاری از "مندن سایبر" است.

منبع: مجله تایم

شیمیایی برخورددار از خواص چندگانه کاربرد داشتند. شاید کسی فکر نمی‌کرد شکل‌های نوینی از فناوری‌های ترکیبی قابل گسترش باشند و جهان امروز و آینده ما را دستخوش تغییرات شگرفی نمایند. به نظر می‌رسد با ظهور نانوفناوری روند تکامل فناوری‌های ترکیبی شتاب یافته است و ترسیم چشم‌انداز آن‌ها شاید در قالب تدوین سناریوهای بدیل قابل پیش‌بینی باشد. تنها می‌توان امیدوار بود با توجه به عمق تاثیرگذاری این فناوری‌ها و تغییرات رادیکال یا چشمگیری که در حوزه‌های فناورانه و صنعتی پدید می‌آورند، تبلور کاربردهای آنها مانع‌فست‌های تعیین‌کننده‌ای را رقم خواهد زد و جهت و مسیر تکامل فناوری را با توجه به ویژگی‌های خاص خود تعیین خواهند کرد.

به بیانی دیگر با گسترش حوزه‌های کاربرد فناوری‌های

یک گروه پژوهشی به سرپرستی دانشمندی به نام "امیت لعل" در دارپا (آژانس پروژه‌های پژوهشی پیشرفته دفاعی ایالات متحده) سرگرم فعالیت بر روی گونه جدیدی از فناوری‌های ترکیبی هستند که بسیار شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد. لعل و همکاران او ریزتراشه‌های بسیار کوچک مجهز به ردیاب‌های سامانه موقعیت‌یاب جهانی را درون بدن لاروها یا همان کرم‌های حشرات به ویژه حشرات بال‌دار و به اصطلاح پرنده تعبیه و جاسازی می‌کنند و پس از رسیدن حشره به مرحله بلوغ از آن برای انجام ماموریت‌های ویژه مانند گشت‌زنی و پایش محیطی استفاده می‌کنند.

ریزتراشه‌های به کار رفته در بدن این حشرات مجهز به حسگرهای محیطی نظیر رطوبت، گاز، عوامل شیمیایی،

زیستی و غیره می‌باشد و فعالیت حرکتی حشره از راه دور قابل کنترل است و می‌توان با استفاده از ردیاب‌های ماهواره‌ای آن را مشخص کرد. برای به حرکت انداختن حشره پالس‌های الکتریکی بسیار خفیفی از طریق تراشه‌های یاشده به بافت‌های ماهیچه مانند حشره ارسال می‌شود. لعل به همراه همکاران خود ریزتراشه‌ها را به دقت درون بدن حشره نوزاد فرو می‌کنند و طبیعی است که این کار جراحات‌های جزئی را به همراه دارد. اما رشد تدریجی حشره و تکامل بافت‌های بدن او به عنوان یک عامل ترمیم‌کننده عمل می‌کند و پس از مدت کوتاهی هیچ اثری از جراحی بر روی بدن حشره مشاهده نمی‌شود. تلفیق بافت حشره و ریزتراشه که در واقع ماشینینی بسیار کوچک است، ترکیبی را پدید آورده که می‌تواند در محیط‌هایی که نیاز به استفاده از وسایل پرنده بدون سرنشین است، بسیار موثر باشد.

به طور حتم این پروژه یکی از صدها فعالیت پژوهشی است که هم‌اکنون در گوشه و کنار جهان با هدف تکامل فناوری‌های ترکیبی با اصطلاح "هیبرید" (Hybrid) در جریان هستند. پیش از این فناوری‌های ترکیبی در زمینه حمل و نقل از جمله ساخت خودروهای دوگانه سوز و علوم و صنایع شیمیایی به ویژه مواد

پیش‌بینی بازار جهانی فناوری نانو تا سال ۲۰۱۳

فناوری نانو باعث ایجاد تحول در حوزه‌های مواد، فناوری اطلاعات و ارتباطات، پزشکی و ژنتیک خواهد شد. ما هر روز شاهد ورود محصولات جدید مبتنی بر فناوری نانو به بازار هستیم و نتایج تحقیقات این حوزه به سرعت در حال تجاری شدن هستند. این فناوری به بهبود محصولات و فرایندهای تولید با مشخصات و کارکردهای جدید کمک می‌کند. انتظار می‌رود که در سال‌های آینده، کاربردهای مبتنی بر فناوری نانو، تقریباً تمام بخش‌های صنعتی را پوشش داده و به طور گسترده وارد بازار محصولات مصرفی شود. با توجه به آینده درخشان این صنعت، کشورهای گوناگون جهان سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این زمینه انجام می‌دهند. موسسه تحقیقات و بازار به تازگی گزارشی با عنوان «پیش‌بینی بازار فناوری نانو تا سال ۲۰۱۳» منتشر کرده است. بر پایه‌ی این گزارش، پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد ترکیبی سالانه (CAGR) بازار جهانی فناوری نانو تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۰ درصد باشد. همچنین این گزارش پیش‌بینی می‌کند که ارزش بازار محصولات مبتنی بر فناوری نانو تا سال ۲۰۱۳ به بیش از ۱۶۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد، که این میزان رشد، نشان دهنده نرخ رشد ترکیبی سالانه ۴۹ درصد، بین دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ است. این میزان رشد، ناشی از سرمایه‌گذاری‌های کلان دولت‌ها و شرکت‌های مختلف در تحقیق و توسعه علم و فناوری نانو است. طبق یافته‌های این گزارش، بیشترین نرخ رشد بازار محصولات مبتنی بر فناوری نانو متعلق به منطقه حوزه اقیانوسیه با نرخ رشد ترکیبی سالانه ۵۲ درصد، در دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ خواهد بود. بعد از این منطقه، کشورهای اروپایی در جایگاه بعدی قرار دارند. با سرمایه‌گذاری‌های کلان کشورهای چین، هند و روسیه در این زمینه، در آینده شاهد رشد چشمگیر بازار فناوری نانو در این کشورهای خواهیم بود.

منبع: پایگاه اینترنتی تحقیقات بازار

از کار آفرینان الکترونیکی تا کلاهبرداری بین‌المللی

روند ادغام روزافزون اقتصادهای جهانی ادامه دارد

تا کنون، چین کامیاب‌ترین کشور در به‌کارگیری این قدرت «ترم» بوده است. این مساله موجب شده است که چین بتواند سیاست خارجی آمریکا را ضعیف کرده و در همین حال، برآورده شدن نیازهای انرژی و مواد خام خود را تضمین می‌کند.

تحلیل

کلاهبرداری بین‌المللی، پول‌شویی و جرایم دیگر اقتصادی (به‌ویژه جرایمی که از راه اینترنت انجام می‌شود) مشکل فزاینده‌ای است و چالشی است که می‌توان انتظار داشت گسترش بیشتری یافته و یا دست کم، نیاز مالی جنبش‌های تروریستی را تا حدودی تامین کند. افزون بر این، کامیابی کارآفرینی در بازارهای جهانی می‌تواند شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر کند و موجب تشدید تنش‌های اجتماعی در کشورهایی شود که خطر جنبش‌های تندرو از گذشته در آن‌ها وجود دارد. به احتمال فراوان، این شرایط موجب پیچیدگی بیشتر مساله‌ی تروریسم بین‌المللی خواهد شد.

تجارت از طریق تلفن همراه آینده‌ی تجارت الکترونیکی

گروه مشاوره‌ی مرکاتور پیش‌بینی کرده که تا سال ۲۰۱۴، ارزش پرداخت‌های صورت گرفته از طریق تلفن‌های همراه به ۸/۶ میلیارد دلار خواهد رسید. جورج پیبیدی مدیر بخش فناوری‌های نوپدید گروه مشاور مرکاتور چنین گفت: با وجود رکود اقتصادی، بازرگانان وب هوشمند از فرصت آرایه‌ی خدمات خود در جیب مشتریان استفاده می‌کنند. مجموع ارزش پرداخت‌های امسال از طریق تلفن‌های همراه به ۳۸۹ میلیون دلار خواهد رسید و شمار کاربران شبکه تلفن همراه تا ۵۰ درصد رشد خواهد داشت. وی در ادامه چنین گفت: با توجه به دائلود برنامه‌های تلفن همراه و افزایش حجم معاملات مشتریان، نوآوری و فرصت‌سازی در سال‌های آینده بر جسته خواهد شد.

منبع: نشریه‌ای کامرس

آلوده از چین مشاهده شد. هم‌چنین، شبکه‌ی اینترنت نسلی از «کارآفرینان الکترونیکی» پدید آورده است که تمامی کسب‌وکار آنان در اینترنت خلاصه می‌شود و تولید، انجام و دیگر کارکردها همگی به شرکت‌های تخصصی مرتبط واگذار می‌شود. جنبه‌های گوناگون تجارت در کشورهای خارجی هم‌چنان ادامه خواهد داشت، اما به احتمال فراوان، تقاضای روزافزون برای آموزش زبان خارجی پدیده‌ای گذرا خواهد بود، زیرا کشورهای بیشتری انگلیسی را به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی مدرسه‌های خود برمی‌گزینند.

شاید سرانجام شرکت‌های غربی این واقعیت را بپذیرند که اطلاعات انحصاری خود را، نه تنها با شریکان جدایی‌ناپذیر خود در کسب‌وکارهای مشترک با آسیا به اشتراک گذارند، بلکه این اطلاعات را در اختیار دیگر اعضای شرکت‌های ادغام شده و در حال دادوستد با شریکان نیز قرار دهند. در فناوری برتر و هوافضا، این مساله می‌تواند شرکت‌ها را در برابر ژرفاندیشی بیشتری به دلیل دغدغه‌های امنیت ملی قرار دهد. برپا ساختن شعبه‌های خارج از کشور این دغدغه را کاهش می‌دهد، زیرا با وجود برخورداری از مزیت‌های نیروی کار و دیگر منابع ارزان‌تر خارجی، اسرار تجاری در درون شرکت باقی می‌ماند. رابطه‌های اقتصادی می‌تواند نفوذ کشورهای ثروتمندتر و قدرتمندتر بر شریکان کوچک‌تر را به گونه‌ای چشمگیر افزایش دهد.

تنها نیمی از یکصد اقتصاد بزرگ جهان، وابسته به دولت ملی هستند. اقتصادهای دیگر، سازمان‌های چندملیتی هستند. آسان‌تر شدن کنترل مرزی و جابه‌جایی سرمایه، انتخاب واحد پول مشترک و استانداردهای یکپارچه برای محصولات در اتحادیه‌ی اروپا، هم‌چنان توزیع کالا و کارکردهای پشتیبانی محصولات در سراسر این قاره را ساده‌تر می‌کند. اینترنت، در عمل، هم‌چنان سازندگان را به عرضه‌کنندگان و مشتریان راه دور نزدیک‌تر می‌کند. شرکت‌ها هر چه بیشتر در حال واگذاری کارکردهای پرهزینه و کم‌بازدهی خود به عرضه‌کنندگان، شرکت‌های خدماتی و مشاورانی هستند که بسیاری از آن‌ها در کشورهای دیگر استقرار دارند. شرکت‌ها در کشورهای با دستمزد بالا نیز در حال واگذاری (برون‌سپاری) مدیریت و مشاغل خدماتی به کشورهای با دستمزد پایین هستند. یک روند وارونه‌ی نوپدید در میان کشورهای پذیرای نیروی انسانی ایجاد نمایندگی در سرزمین‌هایی است که کارها را واگذار می‌کنند. برای مثال، در سپتامبر ۲۰۰۷، شرکت ویپرو در هند اعلام کرد در حال راه‌اندازی یک واحد برنامه‌نویسی در ویرجینیا به منظور استخدام برنامه‌نویسان برتر امریکایی و استفاده از بازار دولتی پرآورد این کشور است. مشاغل در اروپای غربی در حال مهاجرت به اروپای شرقی، شوروی پیشین و مستعمره‌های پیشین انگلیسی و فرانسوی‌زبان آفریقا است. هندوستان حتا در کشورهای کم‌هزینه‌تر آفریقایی، فرصت‌های شغلی ایجاد کرده است.

ارزیابی و پیامدها

این روند دست کم به مدت دو دهه ادامه خواهد یافت. رشد تجارت الکترونیکی، کسب‌وکارها را قادر می‌سازد در سطح جهانی ارزان‌ترین مواد خام و تجهیزات را خریداری کنند. در بازارهای ویژه، اینترنت نیز شرکت‌های کوچک را توانا می‌سازد تا از راه سرمایه‌گذاری اندک با غول‌های جهانی رقابت کنند. این مساله برای چالش‌های کنترل کیفی و کاستن فریبکارانه‌ی هزینه‌ها از سوی عرضه‌کنندگان، فرصت‌های تازه‌ای را به همراه داشته است، چنان که به‌تازگی در سرازیر شدن غذاها و دیگر محصولات





چهار سناریو برای آینده جهان

در تمامی چهار سناریو
تأثیرات حاکمیت ایالات متحده رو به کاهش است

■ مسعود منزوی

به عنوان مساله اصلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به همراه مهاجرت، تبدیل به منبع عمده تنش‌های میان دولتی می‌شود. فناوری نه تنها به عنوان راه حل مسایل کشورهای در حال توسعه عمل نمی‌کند، بلکه مورد سوء استفاده شبکه‌های غیرقانونی قرار می‌گیرد و در تسلیحات مخرب استفاده می‌شود. جهان به ۳ گروه عمده تقسیم می‌شود:

کشورهای توسعه یافته با رشد پیوسته تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه که با رشد کم و یا منفی در درآمد سرانه روبه‌رو می‌شوند و شکاف میان آن‌ها با کشورهای توسعه یافته افزایش می‌یابد.
کشورهای با رشد اقتصادی نامشروع حاکمیت و رهبری سیاسی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی ضعیف است. درگیری‌های داخلی افزایش می‌یابد. درگیری‌های بی‌نتیجه‌ای که همراه با افزایش تنش‌های گروهی و بی‌عدالتی‌ها است. دست کم یک‌بار تسلیحات کشتار جمعی در یکی از درگیری‌های داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سناریوی سوم: رقابت منطقه‌ای

هویت‌های منطقه‌ای در اروپا، آسیا و آمریکا مطرح می‌شود. پیشران این موضوع، ایستادگی سیاسی اروپا و شرق آسیا در مقابل برتری یافتن آمریکایی‌ها و جهانی شدن آمریکایی‌محور است. این هویت‌های منطقه‌ای تمایل به برتری یافتن همراه با اولویت‌های سیاسی و اقتصادی خود را دارند.

فناوری به صورت ناهمواری انتشار می‌یابد، که این امر بازتاب تفاوت در مفهوم حقوق مالکیت فکری و طرز تلقی در مورد زیست‌فناوری است. یکپارچگی اقتصاد منطقه‌ای در حوزه تجارت و

از موضوعات را تشدید می‌کند و در کل نوعی از آرایش بین‌المللی جدید را ایجاد می‌کند. منازعات نیز به خاطر سود ناشی از جهانی شدن به کمترین میزان خود می‌رسد.

هنوز بخش کمی از جهان، که در مناطق آفریقا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و مرکزی و منطقه‌ای آند هستند، از این تغییرات مثبت بی‌بهره هستند و منازعات داخلی با پشتیبانی دولت‌ها همچنان پابرجاست.

سناریوی دوم: جهانی شدن نابودگر

نخبگان جهانی از منافع جهانی شدن بهره می‌برند، حال آن که اغلب بخش‌های جهان از این منافع بی‌بهره هستند. رشد جمعیت و کمیابی منابع

در تمامی سناریوها و به صورت ویژه در سناریوی اول، جهانی شدن در تمامی جهان گسترده نمی‌شود. به اندازه بیشتری در سناریوی دوم اثرات منفی جهانی شدن، باعث افزایش درگیری‌ها و شکاف‌ها در جهان می‌شود. در سناریوی سوم و چهارم به منطقه‌گرایی پرداخته می‌شود. در تمامی چهار سناریو، کشورها با ضرر از اثرات منفی رشد جمعیت، کمیابی منابع و حاکمیت بد، و عدم بهره‌مندی از منافع جهانی شدن، به وضعیت افزایش درگیری‌های داخلی و خطر شکست‌های دولتی در رویارویی با آن‌ها می‌رسند.

چندی پیش دو کارگاه با حضور آینده‌پژوهانی از کشورهای گوناگون تشکیل شد که در آن ۴ سناریو در مورد آینده جهان نگارش شد.

در کارگاه نخست بر عوامل و رویدادهای عمده و پیشران‌های آینده جهان تا سال ۲۰۱۵ تمرکز شد. این عوامل و رویدادها شامل جمعیت‌شناسی، منابع طبیعی، علم و فناوری، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی و منازعات و شناسایی روندها و تغییرات منطقه‌ای بود. این مطالعات، پایه‌ای برای سناریوها بود.

کارگاه دوم بر تعاملات میان این پیشران‌ها متمرکز بود. در هر سناریو تلاش شد تا داستانی قابل پذیرش و مرتبط با سیاست‌ها نگارش شود تا آینده‌های بدیل توصیف شود. در هر سناریو همچنین باید عدم قطعیت‌های کلیدی، ناپوستگی‌های تاریخی و شگفتی‌سازها مورد شناسایی قرار گیرد و چالش‌های اطلاعاتی و سیاستی مربوط به آن مشخص شود.

سناریوی نخست: جهانی شدن فراگیر

توسعه فناوری، رشد اقتصادی، عوامل جمعیتی و حاکمیت اثربخش، بخش‌های عمده‌ای از جهان را از منافع جهانی شدن بهره‌مند ساخته‌اند. گسترش فناوری و انتشار آن در جهان در حال توسعه در فایق آمدن بر مشکلات کمک کرده است. رشد اقتصاد جهانی پابرجا، که ناشی از اجماع بر سیاست‌های آزادسازی است، به توزیع گسترده‌ی ثروت و کاهش مسایل جمعیتی و مرتبط به منابع کمک کرده است. حاکمیت در هر دو سطح ملی و فراملی اثربخش می‌شود. بسیاری از دولت‌ها انقباض یافته‌اند و بسیاری از مسؤولیت‌های پیشین خود را به صورت خصوصی‌سازی کاهش داده یا با همکاری سازمان‌های عمومی - خصوصی انجام می‌دهند. همکاری‌های بین‌المللی بسیاری



مالی افزایش می‌یابد، در نتیجه به صورت همزمان سطح رشد اقتصادی را ارتقا می‌دهد و از سوی دیگر رقابت را بالا می‌برد.

وضعیت و نهادهای حاکمیت منطقه‌ای در کشورهای توسعه یافته و نوظهور افزایش می‌یابد. به عنوان مثال، دولت‌ها برای حل مسایل منطقه‌ای از نهادهای جهانی به نهادهای منطقه‌ای روی می‌آورند. ۳ منطقه را باید مورد توجه خاص خود قرار داد:

کشورهایی که خارج از این مناطق در صحرای آفریقا قرار دارند.
خاورمیانه

مرکز و جنوب آسیا

این کشورها فضای کمی برای تغییر در پشتیبانی‌های سیاسی و یا منابع خود دارند. درگیری‌های نظامی در این ۳ منطقه ایجاد نمی‌شود، اما درگیری‌های داخلی میان آن‌ها و با کشورهایی که حامی این درگیری‌ها هستند، افزایش می‌یابد.

سناریوی چهار: جهان بساطی

به دلیل رشد اقتصادی کند این کشور و سپس رکود اقتصادی توجه و تعلق خاطر ایالات متحده به اوضاع داخلی افزایش می‌یابد. تنش‌های اقتصادی و سیاسی این کشور با رشد اروپا منجر به وخامت در اتحاد راهبردی اروپا و آمریکا می‌شود. در نتیجه ایالات متحده نیروهای خود را از آن منطقه عقب می‌کشد و اروپاییان به نهادهای منطقه‌ای خود تکیه می‌کنند.

درست در همان زمان افزایش بحران حاکمیت در آمریکای لاتین، به ویژه در کلمبیا، کوبا، مکزیک و پاناما، ایالات متحده آمریکا را مجبور به تمرکز بر این منطقه می‌کند. در اندونزی نیز بحران داخلی و خطر تجزیه افزایش می‌یابد و چین نیروهای خود را برای یک صلح موقت آماده می‌سازد. آسیا دارای پایداری و شکوفایی است که این امر به آمریکا اجازه می‌دهد به سایر مناطق بپردازد.

فرایند غیررسمی برای یکپارچگی دو کره ادامه دارد، چین و ژاپن پشتیبانی مالی لازم برای تحقق یکپارچگی را فراهم می‌سازند. ایالات متحده خروج نیروهای خود را از ژاپن و کره آغاز می‌کند. با گذشت زمان، در این مناطق راهبردی، رقابت دیرپا میان قدرت‌های آسیایی مشتعل می‌شود. تدارکات و برنامه‌های تسلیحات گسترده‌تری، که تا پیش از این به صورت مخفیانه و یا با تاخیر انجام می‌گرفت، افزایش می‌یابد. نهادهای جهانی و منطقه‌ای در این رقابت تسلیحاتی مداخله نمی‌کنند.

به عنوان مثال چین به ژاپن هشدار می‌دهد که دست از برنامه‌های هسته‌ای خود بردارد. ژاپن نیز بر اساس معاهده‌ای دو جانبه خود با آمریکا از این کشور می‌خواهد تا در منطقه مداخله نکند. آسیا تبدیل به اولویت اول آمریکا و اروپا می‌شود، و سایر کشورها، بدون پشتیبانی مالی و سیاسی در حاشیه قرار می‌گیرند.

منبع: شورای ملی اطلاعات آمریکا

گردشگری فضایی در راه است

آغاز به کار هتل‌های فضایی در سال ۲۰۱۲

برانسون، ویرجین گالکتیک، از این امکانات جهت جذب گردشگران برای یک سفر فضایی در مدار پایین با هزینه‌ای معادل ۲۰ هزار دلار استفاده خواهد کرد. هنگامی که مسافران به موشک برسند برای مدت سه روز در موشک و کپسول به سر خواهند برد. این مسأله به گردشگر این اعتماد را می‌دهد که به حال خود رها نشده است و پس از

یک شرکت فعال در راه‌اندازی هتل‌های فضایی در پی پذیرش نخستین مهمانان خود در سال ۲۰۱۲ است. شرکت گالکتیک سوت اسپیس ری سورت مستقر در بارسلونا اعلام کرد که هزینه‌ی سه شب اقامت در این هتل همراه با آموزش هشت هفته‌ای در یک جزیره‌ی استوایی ۳ میلیون یورو (۴/۴ میلیون دلار) است. اتوبوس فضایی این هتل

با سرعتی برابر ۳۰۰ هزار کیلومتر بر ساعت، چهار مهمان و دو فضانورد را در مدت ۳۶ ساعت به محل اقامت منتقل می‌کند. مهمانان هتل در جریان اقامت در این هتل روزانه شاهد ۱۵ بار طلوع خورشید و سفر به دور زمین در هر ۸۰ دقیقه خواهند بود. آن‌ها هم‌چون مرد عنکبوتی می‌توانند به محیط پیرامونی اتاق خود بچسبند. خاویر کلارامونت مدیرعامل این شرکت اظهار داشت: این پروژه، شرکت را در خط مقدم یک صنعت نوپدید با آینده‌ای شکوهمند و تضمین شده قرار می‌دهد و پیش‌بینی می‌شود که سفر به فضا در آینده تبدیل به مسأله‌ای عادی و متداول شود. بسیار طبیعی است که

تصور شود فرزندان شما به احتمال فراوان در مدت پانزده سال آینده قادر خواهند بود تعطیلات آخر هفته را در فضا بگذرانند. صنعت نوپای گردشگری فضایی با توجه به تأسیسات موجود در اسپیس فورت آمریکا نیومکزیکو که نخستین مکان برای ساخت تجهیزات فضایی برای مشتریان تجاری و مسافران معمولی است، شروع به کار کرده است. شرکت تورهای فضایی بریتیش تایکون ریچارد

سه روز به موشک حمل و نقل بازگشته و به زمین برمی‌گردد. بیش از دویست نفر تمایل خود را برای اقامت در هتل فضایی اعلام داشته‌اند و دست کم ۴۳ نفر نیز از هم‌اکنون برای خود جاذبیره کرده‌اند. یک میلیارد ناشناس که به مسایل فضایی علاقمند است سه میلیارد دلار برای تأمین هزینه‌های این پروژه تخصیص داده است.

منبع: رویترز

متروپلیس دریایی: شهر شناور آینده

شهر که برای ساخت آن از طبیعت الهام گرفته شده است، برای اسکان ۵ هزار نفر طراحی شده و پناهگاهی مناسب برای کسانی است که از تأثیرات گرم شدن جهان و دیگر بلایای طبیعی به آن پناه می‌برند.

منبع: روزنامه تلگراف

یک طراح بلژیکی به نام ونسان کاله باوت سازنده و طراح شهری شناور است که آن را "یلی‌پاد" نام‌گذاری کرده است. در حقیقت این شهر محیطی مساعد برای کسانی است که از شر یا آسیب تغییرات شدید آب و هوایی به آن پناه می‌برند، اما بیشتر به یک شهر رویایی شبیه است تا یک جان‌پناه. این

از سناریوی دلار ضعیف تا سناریوی دلار قوی

سناریوهای آینده‌های اقتصادی متفاوتی را به تصویر می‌کشند

■ عبدالرحیم پدرام



شده‌ی اقتصادی و بررسی متغیرهای اقتصادی کلان به‌دست آمده‌اند. این سناریوی مرجع با دو سناریوی بدیل همراه می‌شود.

دو سناریوی بدیل برای ایجاد موازنه‌های جهانی به ویژگی‌های دو وضعیت ممکن از نرخ‌های واقعی ارز و نرخ‌های رشد واقعی اقتصادی و دیگر متغیرهای کلان اقتصادی می‌پردازند. سناریوی نخست به تداوم عدم موازنه‌های تجاری عمده و پس‌اندازها می‌پردازد و فرض می‌کند که آن‌ها منجر به حرکت پایدار به سمت تقویت دلار می‌شوند، در حالی که سناریوی دوم مبتنی بر این فرض است که کاهش عمده‌ای در عدم موازنه‌های تجاری و پس‌اندازها رخ می‌دهد و ارزش دلار آمریکا کاهش عمده‌ای خواهد یافت.

سناریوی مرجع، سناریوی مرجع مبتنی بر پیش‌بینی‌های بلندمدت از اقتصاد جهانی است. بر این اساس این مدل یک دیدگاه جمعی وجود داشت که وضعیت اقتصادهای آمریکا و جهان در اواخر سال ۲۰۰۹ بهبود خواهد یافت. این سناریو به تنظیم و تعدیل معتدل پس‌اندازهای داخلی آمریکا، ترقی آرام بهای دلار این کشور - ۱۹ درصد در طی ۱۰ سال - و رشد متوسط تولید ناخالص داخلی آمریکا و جهان می‌پردازد. رشد اقتصادی آمریکا تا سال ۲۰۱۷ (۲/۵ درصد در هر سال) کم‌تر از رشد تجربه شده در طی ده سال گذشته (سالیانه سه درصد) است. همچنین فرض می‌شود که رشد اقتصادی آینده در دیگر اقتصادهای جهان اندکی بالاتر خواهد بود، سالیانه ۴ درصد، و بالاتر از رشد دهه‌ی گذشته است.

از دسامبر ۲۰۰۸، هنگامی که فرض‌ها فرمول‌بندی شدند، تا اواسط ۲۰۰۹، دورنماهای نزدیک رشد اقتصادی آمریکا تخریب شده‌اند. در سه

ابزارهایی ارزشمند برای کاوش محیطی هستند که در آن راهبردها و سیاست‌های ما به اجرا در خواهند آمد.

هر سناریو، بیانگر وضعیت‌های احتمالی از آینده است که از سوی نگارندگان سناریوها به‌عنوان آینده‌های در خور توجه مطرح شده است؛ به احتمال فراوان، این سناریوها سازمان‌ها و جوامع را برای رویارویی با دگرگونی‌های بنیادین آینده آماده می‌سازند. در زمان طراحی سناریوها نمی‌توان با قطعیت و دقت مشخص ساخت که کدام یک از این آینده‌ها رخ خواهند داد. مجموعه‌ی درهم تنیده‌ای از عوامل گوناگون که سناریوها را شکل می‌دهند، عوامل ثابت و از پیش مشخصی نیستند و می‌توانند حالت‌های گوناگونی داشته باشند.

روش سناریو نویسی، یکی از کلیدی‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است و شیوه‌ای برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است. تمرکز اصلی این روش، بر چگونگی گسترش محیط فعالیت بیرونی سازمان (کلان محیط) با توجه به محیط درونی آن در آینده است. بنابراین یک سازمان می‌تواند گستره‌ی فراخی از سناریوهای احتمالی آینده را گسترش دهد که در چارچوب آن‌ها، عوامل غیرمرتبط در محیط فعالیت بیرونی سازمان اهمیت می‌یابند و شیوه‌ی رفتار و واکنش سازمان در برابر عدم قطعیت‌های هر بحران، در این سناریوها مشخص می‌شود.

آینده‌پژوهان در سال ۲۰۰۸ برای بازتاب دادن آغاز بحران اقتصادی، سناریوی مرجعی ترسیم کردند که به تغییرات فرضی در عدم توازن و موازنه‌ی اقتصادی کلان ناشی از این بحران بپردازد. سناریوی مرجع برآوردهای بلندمدت و موازنه‌ی اقتصاد جهان را بررسی می‌کند که با استفاده از اطلاعات شبیه‌سازی

تاریخچه‌ی کاربرد واژه‌ی سناریو به دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی باز می‌گردد. در آن برهه، واژه‌ی سناریو در گفتمان سیاسی کاربردهای فراوانی داشت، اما هنوز به‌عنوان روشی نظام‌یافته شناخته نمی‌شد. سناریوها با این هدف آفریده می‌شوند که داستانی را به شیوه‌ای باورپذیر به تصویر کشند. سناریوها، تصویرهایی از آینده‌های محتمل هستند.

سناریوها از سازگاری درونی برخوردار هستند و بر پایه‌ی ارزیابی ما از تأثیر روندها و پیش‌بینی‌ها ساخته می‌شوند. در پروژه‌های آینده‌پژوهی در عرصه‌ی موضوعی خاص، اغلب ۳ یا ۴ سناریو تدوین می‌شود. هر کدام از این سناریوها، به پرسش‌های اصلی موضوع پژوهش، پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند، اما تمامی این پاسخ‌ها مسیری را پیش روی ما می‌گشایند که آینده را از زوایایی متفاوت روشن می‌سازند. سناریو، نگاه به آینده از دریچه و چشم‌اندازی ویژه است که در چارچوب آن، داستان تصویر شده دارای سازگاری منطقی است و رخدادهای بیرون از حقیقت‌نمایی و خردورزی در تار و پود آن راهی ندارد.

هدف از تدوین سناریوها، خلق فضای بررسی احتمال آینده‌های ممکن، به‌گونه‌ای است که بتوان پابرجایی سیاست‌ها را در برابر طیفی از چالش‌های آینده آزمود. سناریوها همچنین به ما کمک می‌کنند عوامل شگفتی‌ساز را در چارچوب چالش‌ها یا فرصت‌های بالقوه بشناسیم. سناریوها

با توجه به حجم بحران اقتصادی و گستردگی اقتصادهای تأثیر پذیرفته، نمی‌توان تغییرات رخ داده در تولید ناخالص داخلی را از تغییرات نرخ‌های مبادله ارزی، تورم و دیگر متغیرهای اقتصادی کلان جدا ساخت.

ماهه‌ی نخست سال ۲۰۰۹، تولید ناخالص داخلی ۵/۵ درصد کاهش یافته است و ارزش دلار در حال افزایش است. صرف نظر از تأثیر این رویدادها بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت، آن‌ها عامل تعیین کننده‌ی الگوی نرخ مبادله و ارز در بلندمدت یا دورنماهای رشد بلندمدت آمریکا و کشورهای دیگر نیستند. در حالی که پیش‌بینی دسامبر ۲۰۰۸ اکسفورد نسبت به آن‌چه که در حال حاضر رخ داده از شدت کم‌تری برخوردار است ولی بخش اعظم الگوی در حال تکامل و الگوی کلی بلندمدت‌تر تنظیم و تعدیل احتمالی در گستره‌ی بدیل‌های موجود را در بر دارد.

سناریوی دلار با قیمت بالا: سناریوی بدیل نخست (سناریوی دلار با قیمت بالا) اقتصاد کلان جهانی وضعیتی را مشخص می‌سازد که در آن نرخ‌های مبادله و ارز و عدم موازنه‌های مالی و اقتصاد کلان به سطوح پیش از بحران می‌رسند. اگر کشورهای در حال توسعه از جمله چین هم چنان دارای مزاددهای عظیم تجاری با اقتصادهای توسعه یافته هم‌چون آمریکا بوده و هم‌چنان به سرمایه‌گذاری پس‌اندازهای خود در این کشور ادامه دهند، این پیش‌بینی رخ خواهد افتاد. اگر این الگو ادامه داشته باشد، نرخ‌های بهره را در سطح پایین نگه خواهد داشت منجر به شکل‌گیری سرمایه و رشد اقتصادی در آمریکا و افزایش ارزش دلار آمریکا خواهد شد. در نتیجه، رشد اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۱۷ بیش از حالت پیش‌بینی شده در سناریوی مرجع خواهد بود و رشد اقتصادی دیگر کشورهای جهان کم‌تر خواهد بود. ترقی ارزش دلار، تا چهل درصد در فاصله‌ی زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۸، ارزش دلار را بیش از هر دوره‌ی زمانی دیگری از سال ۱۹۹۰ تاکنون می‌کند و ارزش آن بیست درصد بالاتر از آخرین رشد آن در سال ۱۹۹۱ است.

سناریوی دلار ضعیف: سناریو بدیل دوم (سناریوی دلار ضعیف) اقتصاد کلان جهانی به تشریح وضعیتی می‌پردازد که در آن تجارت جهانی و عدم موازنه‌های مالی کاهش می‌یابند و رشد اقتصادی در نرخ‌های پایدار بلندمدت تجدید می‌شود. از منظر آمریکا، این به معنای کاهش واقعی جریان پس‌اندازهای کشورهای در حال توسعه، افزایش کسری‌های تجاری آمریکا، پس‌اندازهای داخلی بالاتر و سرمایه‌گذاری واقعی نسبتاً پایین است. این به معنای کاهش ارزش دلار در مقابل ارزهای خارجی عمده است. این فرض‌ها با رشد

اقتصادی آهسته‌تر آمریکا و دیگر کشورهای جهان نسبت به سناریوی مرجع هماهنگ و منطبق هستند. دلار ضعیف‌تر آمریکا به معنای نرخ مبادله کم‌تر از خارجی و ارزان‌تر شدن محصولات صادراتی کشاورزی آمریکا به دیگر نقاط جهان است. اثر این تغییرها بر یک کشور خاص به گستردگی تغییر درآمدها و نرخ‌های مبادله و پاسخ‌گویی بازارهای کشاورزی آن‌ها وابسته است. از این‌رو، اثر این تغییرات با توجه به هر کشور و محصول و کالایی متفاوت خواهد بود. افزون بر این، بعضی کشورها سهم بزرگی در بازار صادرات بین‌المللی دارند و واکنش‌های آن‌ها اثر مهمی بر قیمت‌های جهانی خواهد گذاشت. اتباع اکثر کشورهای در حال توسعه سهم کوچکی در تجارت بین‌المللی دارند و بر قیمت‌های کالاهای جهانی اثر چندانی ندارند.

روند افزایش بیکاری در جهان همچنان ادامه دارد

با وجود ظاهر شدن علایم اولیه‌ی رشد اقتصادی در سال آینده، عوامل زیادی مانع از بهبود اوضاع مشاغل برای یک مدت طولانی خواهند شد. تقریباً دو سال پس از پایان رکود ۲۰۰۱ طول کشید تا اقتصاد شروع به افزایش اشتغال‌زایی ثابت و پایدار کند و در اوایل سال ۲۰۰۵ بود که بازار کار به سطوح اشتغال چهار سال پیش از آن بازگشت. بعضی اقتصاددانان بر این باور هستند که از دست رفتن مشاغل کارفرمایان را وادار به آغاز رشد سریع اشتغال‌زایی اندک‌زمانی پس از شروع بهبود اوضاع اقتصادی خواهد ساخت. رابرت بروسکا از فائوایکنامیکز چنین می‌گوید: افراد به سرعت آن‌چه را که نباید حذف کنند حذف می‌کنند، آن‌ها نه تنها چربی بلکه عضله و استخوان را نیز حذف می‌کنند. بسیاری از پیش‌بینی‌های ۴۴ اقتصاددان ارشد دربردارنده‌ی افزایش تنها ۱۲۰۰۰ شغل در سه ماهه‌ی نخست سال بعد است. پیمایش اقتصاددانان هم‌چنین نشان داد که آن‌ها انتظار ندارند که شمار مشاغل به ۱۵۰۰۰۰ برسد که سطح مورد نیاز برای همگامی با رشد جمعیت تا پایان سال ۲۰۱۰ است. و مشکل آفرین‌ترین علامت آن است که بیش از نیمی از اقتصاددانان اظهار می‌دارند که انتظار بازگشت به سطح پیش از رکود در بازار کار پیش از سال ۲۰۱۲ بیهوده است و یک سوم آن‌ها اظهار می‌دارند که بهبود کامل تا سال ۲۰۱۳ یا پس از آن رخ نخواهد داد.

منبع: پیمایش انجمن ملی اقتصاد کسب و کار



آن‌ها بخش بالایی از درآمد خود را به خرید غذا اختصاص می‌دهند و تغییر قیمت‌های محصولات کشاورزی در سطح جهان اثر مهمی بر مصرف غذایی این اقتصادهای در حال توسعه خواهد گذاشت. ما به منظور تبیین پاسخ‌های مختلف به این تغییر شرایط اقتصادی کلان از مدل تجارت کشاورزی جهانی پویا که دینامیک پی‌تسیم نامیده می‌شود استفاده می‌کنیم (مدل پی‌تسیم به انطباق فعالیت‌های کشاورزی هر کشور در برآوردهای بلندمدت می‌پردازد).

از مدل اکسفورد (۲۰۰۸)، یک مدل جهانی اقتصاد کلان، جهت توسعه‌ی برآوردهای منطبق با متغیرهای مختلف اقتصاد کلان از جمله تولید ناخالص داخلی، نرخ‌های مبادله ارزی، شاخص‌های بهای مصرف کننده و قیمت‌های نفت برای هر سناریو یا مسیر تنظیم و تعدیل استفاده شد. این برآوردها با طرح فرض‌هایی درباره‌ی تنظیم‌های تجاری و عدم موازنه‌های پس‌انداز و ملاحظه‌ی اثر حاصل از آن بر اقتصاد کلان و متغیرهای فوق خلق می‌شوند. بعضی از نتایج اکسفورد (رشد اقتصادی، نرخ‌های مبادله ارزی و تورم) در مدل پی‌تسیم به عنوان متغیرهای خارجی جهت تعیین اثر بالقوه‌ی این نتایج بر قیمت‌های محصولات کشاورزی، مصرف، تولید و تجارت در کشورها و مناطق مختلف جهان معرفی شدند.

با توجه به حجم بحران اقتصادی و گستردگی اقتصادهای تأثیر پذیرفته، نمی‌توان تغییرات رخ داده در تولید ناخالص داخلی را از تغییرات نرخ‌های مبادله ارزی، تورم و دیگر متغیرهای اقتصادی کلان جدا ساخت. همگی آن‌ها به یکدیگر ارتباط دارند و به‌طور هم‌زمان تعیین و مشخص می‌شوند. این تعامل‌های پویا میان متغیرهای اقتصادی کلان توسط مدل اکسفورد مشخص شده‌اند. در نتیجه، سناریوهای مورد استفاده در پی‌تسیم قادر نیستند به طور قراردادی این امکان را فراهم سازند که متغیری هم‌چون تولید ناخالص داخلی تغییر کند، در حالی که متغیرهای دیگر ثابت باقی بمانند و این امر هیچ‌گونه ارتباطی به مسیر مرتبط تعدیل و تنظیم اقتصاد کلان ندارد. در نتیجه، مدل پی‌تسیم کشاورزی با بهره‌گیری از این سناریوها، مسیرهای مرتبط تنظیم‌های مجموعه‌ی مرتبط متغیرهای اقتصادی کلان خلق شده توسط مدل اکسفورد را منعکس می‌سازد.

املاک هندی

پیش‌بینی جهش بهای املاک تجاری
در هند در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳

پیش‌بینی می‌شود که افزایش تقاضا برای فضاهای تجاری در هند منجر به بروز انقلاب در بازار املاک تجاری در فاصله‌ی زمانی منتهی به سال ۲۰۱۳ شود. براساس گزارش سرمایه‌گذاری شرکت مشاوران کاشمن و ویکفیلد، انتظار می‌رود تقاضای هندیان برای فضاهای تجاری تا حد ۱۹۶ میلیون فوت مربع افزایش یابد. تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که تقاضا برای فضاهای خرده‌فروشی و بخش مهمان‌پذیری و اقامت نیز افزایش یابد و بخش خرده‌فروشی رشدی معادل ۴۳ میلیون فوت مربع و بخش اقامت به ۶۹۰ هزار اتاق برای اقامت شبانه نیاز داشته باشند. آنورگ ماتور مدیرعامل شرکت کاشمن و ویکفیلد چنین می‌گوید: اگر چه رشد بالایی صورت گرفته در سال‌های اخیر بر اثر رکود اقتصادی جهان دچار وقفه شده، اما بنیان‌های اقتصادی قوی، بدهی اندک و مداخله‌ی دولت به این بخش کمک می‌کند که به آرامی به مسیر بهبود بازگردد و شاهد تقاضای ثابت و پایدار برای املاک و مستغلات در بخش‌های مختلف باشد. گزارش "بقا تا بهبود - بخش مستغلات هند در مسیر بهبود" نیز بر رسیدن حجم تقاضای املاک مسکونی به بیش از ۷/۵ میلیون واحد در سال ۲۰۱۳ اشاره دارد که انتظار می‌رود ۸۵ درصد این تقاضا توسط بخش متوسط ارایه شود. از مجموع تقاضای مورد انتظار در بخش املاک و مستغلات، ۶۰ درصد آن در هفت شهر بزرگ هند خواهد بود. انتظار می‌رود که بمبئی تا سال ۲۰۱۳ شاهد بالاترین تقاضا به میزان ۱/۶ میلیون واحد باشد و شهرهای بنگلور و حیدرآباد دارای بالاترین رشد سالیانه‌ی تقاضا به میزان ۱۴ درصد باشند. ابتکارهای مختلف دولت هند جهت ارتقای فعالیت‌های تجاری و گردشگری در این شهرها به رشد آن‌ها خواهد افزود.

منبع: propertywire



جهان منحنی شده

حاشیه‌ای بر کتابی از دیوید اسمیک

■ مسعود منزوی

چرا این نکته که چین را دیگ کره‌گیری می‌نامیم (حساب بزرگی که خواهد ترکید) بیانگر وجود یک تهدید قوی برای دفترچه یادداشت جیبی هر فردی است.

چگونه زنان خانه‌دار ژاپن بر پس‌اندازهای این کشور کنترل دارند و چرا این مسأله برای ما مهم است.

چگونه بانکداران و سرمایه‌گذاران حریص بانک‌ها سرمایه‌های همه را در معرض خطر قرار داده‌اند.

چرا با وجود کاهش غیرقابل باور حجم بانک‌های مرکزی، این امر قادر به نجات ما در هنگام بروز بحران بعدی نخواهد بود.

چرا صندوق‌های پر پول روسیه، چین، عربستان سعودی و دبی که نشانگر یک تغییر بزرگ در قدرت مالی جهان هستند از آمریکا، اروپا و ژاپن دورند.

چرا جهان نیاز مبرمی به یک دکترین مالی "تفکر بزرگ" جهت هدایت اقیانوس خطرناک پولی جهان دارد. کتاب جهان منحنی شده کتابی نادر است که هم‌زمان از وال‌استریت، واشنگتن و نخبگان لندن سخن می‌گوید و با این حال با بهره‌گیری از قدرت روایی عالی خود به خوانندگان عادی نیز نشان می‌دهد که چگونه در این دوره اوضاع آشوبناک به زندگی خود ادامه دهند.

این کتاب در سال ۲۰۰۸ در ۳۰۵ صفحه به زبان انگلیسی انتشار یافته است.

دیوید اسمیک فردی با سابقه‌ی طولانی در حوزه‌ی اقتصاد به‌شمار نمی‌آید اما کارشناسان و متخصصان این حوزه، وی را یکی از بصیرترین راهبردنویسان بازارهای مالی جهان می‌شناسند. وی در طی دو دهه‌ی گذشته با رؤسای بانک‌های مرکزی (هم‌چون آلن گرین‌اسپن و بن برنک) و مسوولان و سرمایه‌گذاران ارشد بورس وال‌استریت از جمله جورج سورس، مایکل استینهارت و استان دراکنمیلر مشاوره داده است. رهبران سیاسی (از جمله بیل برادلی و جک کمپ) به‌طور منظم از توصیه‌های سیاستی وی برخوردار بوده‌اند.

کتاب "جهان منحنی شده" به حوزه‌ای پرداخته که کتاب "جهت تخت" توماس فریدمن بدان نپرداخته است و خوانندگان خود را به یک سفر درونی در دفاتر خصوصی رؤسای بانک‌های مرکزی، وزرای اقتصاد و حتا نخست‌وزیران می‌برد. اسمیک در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه محیط مخاطره‌آمیز کنونی پدید آمده است و چرا حجم بالای رهن مسکن نشانه‌ی بالقوه‌ی مشکلی بسیار مخرب‌تر است. او به دو پرسشی که در ذهن هر کسی وجود دارد می‌پردازد: ترتیب امور در اقتصاد آشوبناک امروز تا چه حد با دشواری روبه‌رو خواهند شد؟ ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

اسمیک با بیان حکایت‌های جالب در قالب یک زبان همه فهم به شرح و بسط مسایل زیر می‌پردازد:

نزول رشد چینی

آهسته شدن حرکت اقتصاد چین در سال آینده

آینده بانکداری خصوصی

خدمات بانکداری خصوصی برای افرادی که دارای گردش مالی بالا هستند به سرعت افزایش خواهد یافت. اگرچه، مجموع ثروت مشتریان بانکداری خصوصی در بسیاری از کشورها کاهش یافته اما هر ساله چند میلیون نفر به دلیل ظهور و رشد اقتصادهای نوپدید و رشد سریع کسب و کارهای خانوادگی وارد این شبکه می‌شوند. در نتیجه، بانکداری خصوصی تداوم خواهد داشت.

انتظار می‌رود که ارایه‌ی مشاوره و خدمات رایگان متوقف شده و توصیه‌های واقعاً مستقل یادریافت هزینه‌ای شوند. همچنین انتظار می‌رود که در مدیریت سرمایه‌گذاری‌های افراد تغییراتی صورت بگیرد و این امر به صورت مشترک انجام شود و افراد ثروتمند در به‌کارگیری پول‌های خود فعال‌تر شوند. شاهد وقوع انقلاب در بانکداری در دهه‌ی آینده خواهیم بود چرا که تریلیون‌ها دلار به نسل بعد انتقال می‌یابد که به‌طور عمده از زنانی که در سن بالای هشتاد سالگی فوت می‌کنند به فرزندان‌شان که هنوز بازنشسته نشده‌اند و دارای رفتارها، نگرش‌ها و اولویت‌های بسیار متفاوت هستند، انتقال می‌یابند.

منبع: گلوبال چنج



این کشور جهت تقویت سومین اقتصاد بزرگ جهان و رکود جهانی کاهش تقاضا برای اسباب‌بازی‌ها، پوشاک و لوازم الکترونیک ساخت چین همراه شده است. همچنین ارایه‌ی محرک‌های چین موجب افزایش نگرانی‌ها در مورد ظرفیت بیش از حد و حباب‌های سرمایه‌شده است. روچ در ادامه چنین گفت: "عدم توازن‌های کلان در حال حاضر اهمیت خاصی دارند و مخاطرات اقتصاد چین موجب کاهش سرعت حرکت آن در اواسط سال ۲۰۱۰ خواهد شد. صادرات چین در ماه سپتامبر نسبت به گذشته اوایل سال ۱۵/۲ درصد کاهش یافت که کم‌ترین کاهش در نه ماه اخیر است. دولت چین برای یازدهمین ماه متوالی کاهش صادرات این کشور را اعلام داشته است.

منبع: بلومبرگ

استفان روچ رئیس مورگان استنلی آسیا اظهار داشت که ممکن است رشد اقتصادی چین در اواسط سال آینده کاهش یابد چرا که مدل رشد این کشور ناپایدار است.

رشد اقتصادی چین در سه ماه گذشته به ۸/۹ درصد رسید که ناشی از محرک‌های دولتی و اعطای بیش از یک تریلیون دلار وام جدید توسط بانک‌های آن کشور بود. روچ در یک مجمع مالی در شانگهای چنین گفت: این بهبود اوضاع موجب رضایت‌خاطر اتباع چین شد که هنوز با چالش‌های شدید سال‌های آینده روبرو است. روچ در ادامه چنین گفت: مدل رشد چین بیش‌تر به عرضه و نه تقاضا می‌پردازد و یک مدل پایدار برای چین یا هر کشور دیگری نیست. عدم توازن ناشی از وابستگی بیش از حد چین به صادرات برای رسیدن به رشد با تلاش‌های دولت



عرضه و تقاضای گاز

در آینده نزدیک تقاضا برای گاز بیش از عرضه خواهد بود

به دنبال انتشار گزارش چشم‌انداز انرژی جهان توسط آژانس بین‌المللی انرژی در ماه گذشته میلادی، گزارش داد: عرضه بیش از حد گاز در بازارهای جهانی به کاهش بهای این ماده منجر می‌شود. بهای نفت که در سال جاری میلادی با ۷۴ درصد افزایش همراه بوده، زمانی که بر اساس واحد بی‌تی‌یو ارزش‌گذاری می‌شود، تقریباً سه برابر بهای گاز طبیعی است. قطر سومین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان، در نظر دارد سال آینده میلادی تولید گاز طبیعی مایع شده (ال‌ان‌جی) خود را از رقم کنونی ۵۴ میلیون تن در سال به ۷۷ میلیون تن در سال افزایش دهد.

منبع: بلومبرگ

العطیه وزیر صنعت و انرژی قطر، اظهار داشت: بهای جهانی گاز طبیعی که امسال در آمریکا با ۱۸ درصد کاهش روبه‌رو شد، بسیار پایین است و تقاضای جهانی برای آن در سال‌های آینده افزایش خواهد یافت. العطیه با بیان این که کاهش کنونی سطح تقاضای جهانی گاز طبیعی کوتاه مدت خواهد بود، پیش‌بینی کرد: سطح تقاضای گاز طبیعی جهان در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ از میزان عرضه این ماده نیز فراتر خواهد رفت. کاهش موقتی در بهای گاز در پی بحران جهانی اقتصاد و به دنبال آن کاهش سطح تقاضای انرژی، در بازارهای تک‌محموله آمریکا و انگلستان، بوده است. روزنامه فاینانشیال تایمز روز پنج‌شنبه



تجارت از طریق تلفن همراه آیندهی تجارت الکترونیکی

گروه مشاوره‌ی مرکاتور پیش‌بینی کرده که تا سال ۲۰۱۴، ارزش پرداخت‌های صورت گرفته از طریق تلفن‌های همراه به ۸۶ میلیارد دلار خواهد رسید. جورج پیبادی مدیر بخش فناوری‌های نوپدید گروه مشاور مرکاتور چنین گفت: با وجود رکود اقتصادی، بازرگانان وب هوشمند از فرصت ارایه‌ی خدمات خود در جیب مشتریان استفاده می‌کنند.

مجموع ارزش پرداخت‌های امسال از طریق تلفن‌های همراه به ۳۸۹ میلیون دلار خواهد رسید و شمار کاربران شبکه تلفن همراه تا ۵۰ درصد رشد خواهد داشت.

وی در ادامه چنین گفت: با توجه به داناتود بر نامه‌های تلفن همراه و افزایش حجم معاملات مشتریان، نوآوری و فرصت‌سازی در سال‌های آینده برجسته خواهد شد.

منبع: نشریه‌ای کامرس

احیای رشد اقتصادی روسیه در سال ۲۰۱۰

«ولادیمیر پوتین» نخست وزیر روسیه بر احیای رشد اقتصادی روسیه در سال آینده امیدوار است. وی در جلسه امور اقتصادی دولت اعلام کرد: شواهدی وجود دارند که بر پایه آن‌ها می‌توان امیدوار بود که طی سال ۲۰۱۰ موتور اقتصادی کشور ما شتاب خواهد داشت.

پوتین اعلام تاریخ دقیق خروج از بحران را ساده لوحانه نامید و گفت: ما امروز شاهد روندهای هرچند بسیار ناچیز اما در هر حال مثبت در برخی از بخش‌های اقتصاد هستیم. همچنین ثمره اجرای برنامه‌های مقابله با بحران نیز احساس می‌شود.

وی تاکید کرد: ما امیدواریم که سه سال آینده شاهد خروج از فاز شدید بحران به سمت مرحله‌ای جدید از توسعه پایدار در اقتصاد روسیه باشیم.

منبع: ریانونوستی

چراغ قوه جادویی انتشار نور تا چهار مایلی

یک مهندس هلندی به نام رالف اوتو یک چراغ فوق درخشان را ساخته است که قدرت آن به اندازه ۳۸ میلیون نور شمع است و پرتوی قدرتمندی را می‌تاباند که قادر است اشیایی را در فاصله‌ی ۴ مایلی و در شب تاریک مشاهده پذیرد. این چراغ قوه از برقی معادل ۵۴ باتری استفاده می‌کند. اوتو این چراغ قوه را برای کاربردهای تجاری ساخته است و در آن، چراغ اصلی به جای چراغ‌های معمولی یک حباب منحنی جیوه‌ای است. این حباب نور بسیار زیادی را تولید می‌کند و با یک فیلتر فرابنفش تنظیم می‌شود.

حرارت حاصل از این پرتو در فواصل نزدیک زیاد است و به گفته‌ی اوتو استفاده از آن در مصارف خانگی نیازمند دقت و هوشیاری است.

منبع: پایگاه اینترنتی Dvice

ادامه روند نزولی نرخ ارزهای آسیایی

در پی کاهش غیر منتظره فروش مسکن در آمریکا و کاهش سطح عمومی اعتماد در این کشور و نگرانی نسبت به وضعیت رشد و رونق اقتصاد جهانی، نرخ ارزهای گوناگون آسیایی در بازارهای بین‌المللی در حال کاهش است.

روپیه اندونزی و روپیه هند بیشترین کاهش ارزش را داشتند. شاخص جی پی مورگان بلومبرگ که ۱۰ نرخ ارز مهم و فعال آسیا را به غیر از یورو ژاپن پوشش می‌دهد، طی هفته گذشته به پایین ترین حد خود در این ماه رسیده است. البته بهبود نسبی رشد اقتصادی آمریکا طی سه ماهه سوم امسال و کاهش نرخ بیکاری در ژاپن و آلمان تا حدی از کاهش بیشتر این شاخص جلوگیری کرده است.

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی، مخاطرات بسیاری همچنان اقتصاد جهان و اقتصاد آسیا را در بلندمدت تهدید می‌کند. البته با بهبود شرایط اقتصادی جهان، ارزش ارزهای آسیایی در برابر دلار آمریکا افزایش خواهد یافت. پیش‌بینی می‌شود بیشتر اقتصادهای آسیای طی سه ماهه چهارم امسال با رشد مثبت اقتصادی روبه‌رو شوند.

رشد اقتصادی آسیا سال آینده به بیش از ۵/۸ درصد خواهد رسید. این رقم امسال به کمتر از ۲/۸ درصد می‌رسد. میانگین رشد اقتصادی آسیا طی ده سال گذشته بیش از ۶/۸ درصد بوده است.

منبع: بلومبرگ

حذف تعرفه‌ها و شکل‌گیری منطقه‌ی آزاد تجاری در جنوب شرقی آسیا

اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا در مسیر دستیابی به هدف حذف تعرفه‌های اکثر کالاهای مبادله شده در این منطقه تا آغاز سال ۲۰۱۰ گام برمی‌دارد.

هدف این گروه شکل‌گیری منطقه‌ی تجاری آزاد و حذف تعرفه‌های بیش از ۸۷ درصد واردات کشورهای منطقه است. این هدف در بیانی‌هی رهبران جنوب شرقی آسیا که هفته‌ی گذشته در شهر چائینگ-مائه تایلند گرد هم آمدند، مطرح شد. شش کشور از میان ده عضو آسه‌آن حذف تعرفه‌ها را اجرا خواهند کرد و کشورهای دیگر که کمتر توسعه یافته‌اند این کار را با تأخیر زمانی انجام خواهند داد.

آسه‌آن در تلاش برای خلق یک مدل منطقه‌ی اقتصادی هم‌چون اتحادیه اروپا، بدون یک پول مشترک، تا سال ۲۰۱۵ است.

منبع: بلومبرگ

ساخت نخستین جنین انسان با شبیه‌سازی

نشریه علمی نیوساینسیست با درج خبری در پایگاه اینترنتی خود از کوشش‌هایی پرده برداشت که به کمک زیست‌فناوری هم اینک برای آفرینش انسان‌های شبیه‌سازی شده در گوشه و کنار جهان در جریان است. به گفته این نشریه هدف از شبیه‌سازی انسان، کمک به بیماران و معلولان به ویژه در زمینه پیوند اعضا می‌باشد.

منبع: نیوساینسیست



Avandeneqar

بهترین راه پیش بینی آینده

ساختن آن است



Ayandehgar Tehran Chamber of Commerce and Industries and Mines

No.1, February 2010

